

## پیوند با خویشاوندان

پیوند با خویشاوندان و نیکی به آنان به ویژه پدر و مادر، از راه‌های مهم رشد و تعالی [در همه زمینه‌ها]<sup>۱</sup> و تقرب به خدای سبحان است<sup>۲</sup> که پس از ایمان به خدا از با فضیلت‌ترین اعمال دینی به شمار می‌آید<sup>۳</sup> و اجر و پاداش مادی و معنوی فراوانی دارد.<sup>۴</sup> این پیوند چنان مهم است که به اجماع عالمان شیعه بر پایه ادله سه‌گانه کتاب، سنت و عقل از واجبات مهم دینی شمرده شده<sup>۵</sup> و برای دستیابی به آن، سفر یک ساله نیز توصیه شده است.<sup>۶</sup>

قطع ارتباط با خویشاوندان هم نوعی پیمان‌شکنی با خدای سبحان به شمار می‌آید<sup>۷</sup> و آن چنان نزد خدا منفور است که از مصاحبت و همراهی با قاطع رحم (کسی که ارتباط با خویشاوندان را قطع کند) نهی شده<sup>۸</sup> و خدای سبحان در سه

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۷؛ مشکاة الانوار، ص ۱۶۵.

۲. کتاب الخصال، ص ۱۵۶.

۳. سوره بقره، آیه ۸۳؛ سوره نساء، آیه ۳۶؛ سوره انعام، آیه ۱۵۱.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۷؛ مشکاة الانوار، ص ۱۶۵؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۳۱.

۵. مفاتیح الشرایع، ج ۲، ص ۷-۸.

۶. الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۱.

۷. سوره بقره، آیه ۲۷؛ سوره رعد، آیه ۲۵.

۸. الکافی، ج ۲، ص ۶۴۱.

جای قرآن او را لعن و نفرین کرده است.<sup>۱</sup> در فقه نیز قطع رحم از گناهان بزرگ به شمار آمده<sup>۲</sup>، چنانکه از عوامل سریع فنا و نابودی بشر هم معرفی شده است<sup>۳</sup>؛ همچنین گفته شده: بوی بهشت که از مسافت هزار ساله به مشام می‌رسد به مشام قاطع رحم نخواهد رسید.<sup>۴</sup>

در این قسمت ابتدا به اهمیت، آثار، عوامل، مصادیق، مرز و مراتب صله رحم و قطع رحم به صورت کلی و اختصار اشاره می‌شود. سپس موارد صله رحم به تفصیل بیان می‌شوند.

### اهمیت صله رحم

خدای سبحان می‌فرماید: و یاد کن هنگامی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشاوندان و... نیکی کنید.<sup>۵</sup> پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آیا شما را به برترین انسان‌های دنیا و آخرت از نظر اخلاق راهنمایی نکنم؟ گفتند: آری. فرمود: کسی است که با قطع کننده پیوند با وی، پیوندد.<sup>۶</sup>

صله رحم نزد خدای سبحان چنان مهم است که آن را از جهت پاداش، سریع‌ترین عبادت قرار داده و افزون بر پاداش اخروی، پاداش دنیوی و زوددهنگام برای آن مقرر داشته است؛ به گونه‌ای که خاندان گناهکار هم با رعایت صله رحم

۱. سوره بقره، آیه ۲۷؛ سوره رعد، آیه ۲۵؛ سوره محمد، آیات ۲۲-۲۳.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۷۴.

۳. علل الشرائع، ص ۵۸۴.

۴. الکافی، ج ۶، ص ۵۰.

۵. ﴿وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ...﴾ (سوره بقره، آیه ۸۳).

۶. ﴿أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ خَيْرِ أَخْلَاقٍ دُنْيَا وَ الْآخِرَةِ؟ قَالُوا: بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ...﴾ (الزهد، ص ۳۹).

میان خود، دارایی آن‌ها فرونی می‌یابد و با نیکی به یکدیگر بر عمرشان افزوده می‌شود.<sup>۱</sup>

در روایتی دیگر درباره اهمیت آن از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که خدا سه چیز را قرین سه چیز ساخت: به نماز و زکات فرمان داد، پس هرکس زکات نپردازد نمازش پذیرفته نیست و به شکر خدا و والدین امر کرد، پس هرکس شکر والدین را به جا نیاورد شکر خدا نکرده است و به تقوای الهی و صلۀ رحم فرمان داد، پس هرکس صلۀ رحم نکند تقوای الهی را رعایت نکرده است.<sup>۲</sup>

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: همهٔ امت را از حاضر و غایب و به آنان که تا روز قیامت در صلب مردان و رحم زنان هستند سفارش می‌کنم به صلۀ رحم، اگرچه یک سال راه [میان آنان فاصله] باشد و این از دین اسلام است.<sup>۳</sup>

## آثار صلۀ رحم

صلۀ رحم پاداش دنیوی و اخروی مهم و فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرکس از تأخیر اجل و گسترش روزی خود خوشحال می‌شود پس از خدا پروا کند و صلۀ رحم کند؛<sup>۴</sup> همچنین فرمود: کسی

۱. إِنَّ أَعْجَلَ الطَّاعَةِ ثَوَابًا لِّصَلَّةِ الرَّحِمِ وَإِنَّ الْقَوْمَ لَيَكُونُونَ فُجَارًا فَيَتَوَاصَلُونَ فَتَنَمَى أَمْوَالُهُمْ وَيَبْرُونَ فَتَزْدَادُ أَعْمَارُهُمْ (کتاب الخصال، ص ۱۲۴).

۲. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى: أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَ الزُّكَاةِ، فَمَنْ صَلَّى وَ لَمْ يَزُكَّ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ، فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَ الْوَالِدِيهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَ أَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ صَلَّةِ الرَّحِمِ، فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ (کتاب الخصال، ص ۱۵۶).

۳. أَوْصَى الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَ الْغَائِبَ مِنْهُمْ وَ مَنْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَ إِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرَةِ سَنَةٍ. فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۵۱).

۴. وَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَ يَوْسَعَ لَهُ فِي رِزْقِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لْيَصِلْ رَحِمَهُ (الزهدي، ص ۳۹).



که از عمرش جز سه سال نمانده باشد با صلۀ رحم، خدا عمرش را به سی و سه سال امتداد می‌بخشد.<sup>۱</sup> در روایتی دیگر فرمود: هرکس برای من یک عمل را ضمانت کند من برایش چهار چیز را ضمانت می‌کنم: هر کس صلۀ رحم کند خدا او را دوست بدارد و روزی وی را گسترش دهد و عمرش را فزون‌تر بخشد و او را به بهشتی درآورد که وعده داده است.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: صلۀ رحم موجب پاکی اعمال و رشد دارایی و دفع بلا و آسانی حساب و تأخیر اجل می‌شود.<sup>۳</sup>

حضرت موسی علیه السلام از خدا پرسید: پاداش کسی که صلۀ رحم کند چیست؟ فرمود: اجلش را به تأخیر اندازم و سكرات مرگ را بر او آسان کنم و فرشتگان بهشت به وی ندا می‌دهند: به سوی ما بیا و از هر دری که می‌خواهی وارد شو.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: صلۀ رحم و حسن همجواری، شهرها را آباد و عمرها را طولانی می‌کنند.<sup>۵</sup>

۱. إِنَّ الْمَرْءَ لَيَصِلُ رَحِمَهُ وَ مَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا ثَلَاثُ سِنِينَ فَيَمُدُّهَا اللَّهُ إِلَى ثَلَاثٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۲۰).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ ضَمِنَ لِي وَاحِدَةً ضَمِنْتُ لَهُ أَرْبَعَةً: يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَجِئُهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ يُوسِعُ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ وَ يَزِيدُ فِي عُمُرِهِ وَ يَدْخُلُهُ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَهُ (عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲، ص ۳۷).

۳. صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تُرَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبَلَوَى وَ تُبَسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۵۰).

۴. قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِلَهِي! فَمَا جَزَاءُ مَنْ وَصَلَ رَحِمَهُ؟ قَالَ: أَنْسِي لَهُ أَجَلَهُ وَ أَهْوَنَ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَ يُنَادِيهِ خَزَنَةُ الْجَنَّةِ: هَلُمَّ إِلَيْنَا فَادْخُلْ مِنْ أَيِّ بَابٍ شِئْتَ (روضة الواعظین، ص ۳۷۰).

۵. صَلَّةُ الرَّحِمِ وَ حَسَنُ الْجَوَارِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۵۲).



## آثار قطع رحم

امام رضا علیه السلام فرمود: خدا تقوای الهی را با صلّه رحم همراه ساخت، پس هر کس صلّه رحم نکند تقوای الهی ندارد<sup>۱</sup>، در نتیجه دیگر اعمال نیکش پذیرفته نیست<sup>۲</sup> و کار او پیامدهای دنیوی و اخروی سختی خواهد داشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قطع رحم مانع دعا و حجاب آن می‌شود<sup>۳</sup>؛ همچنین فرمود: هرگاه قطع رحم همگانی شود دارایی در دست اشرار قرار می‌گیرد.<sup>۴</sup>

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: چهار چیز دارای کیفر زودرس است... گسستن پیوند با اهل صلّه رحم.<sup>۵</sup>

از امام صادق علیه السلام هم روایت شده است: گناهی که به سرعت نابود می‌کند، قطع رحم است.<sup>۶</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی که از عمرش سی و سه سال مانده قطع رحم می‌کند، پس خدا آن را به سه سال کاهش می‌دهد.<sup>۷</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در قیامت مردی که به ظاهر در مسیر خیر بوده،

۱. **إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بَيْنَهُمَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى: أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكِّ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَ أَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَ صِلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ** (کتاب الخصال، ص ۱۵۶).

۲. **﴿إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾** (سوره مائده، آیه ۲۷).

۳. ... **قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تُحْجِبُ الدُّعَاءَ** (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۵).

۴. **وَ إِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتْ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ** (الکافی، ج ۲، ص ۳۷۴).

۵. **أَرْبَعَةٌ أَسْرَعُ شَيْءٍ عُقُوبَةٌ ... رَجُلٌ يَصِلُ قَرَابَتَهُ وَ يَقْطَعُ وَتَهُ** (کتاب الخصال، ص ۲۳۰).

۶. **وَ الذُّنُوبُ ... الَّتِي تُعَجِّلُ الْفِتَاءَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ** (علل الشرائع، ص ۵۸۴).

۷. **... وَ يَكُونُ أَجَلُهُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَيَكُونُ قَاطِعًا لِلرَّحِمِ فَيَنْقُصُهُ اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ يَجْعَلُ أَجَلَهُ**

**إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ** (الکافی، ج ۲، ص ۱۵۳).

ناگهان رحمی که وی پیوند خود را با او گسسته بر او وارد می‌شود و او را به ژرف‌ترین گودی آتش دوزخ می‌افکند<sup>۱</sup>؛ نیز رسول خدا ﷺ فرمود: بسوی خوش بهشت از مسافت هزار ساله به مشام می‌رسد؛ ولی ستم کننده به والدین و قاطع رحم آن را نمی‌یابد.<sup>۲</sup>

### برخی از عوامل قطع رحم

گسستن پیوند خویشاوندی و پاس نداشتن حرمت والدین عوامل گوناگونی دارد؛ لیکن به دو عامل مهم آن، بی‌حیایی و حرص اشاره می‌شود: امام صادق ع به مفضل فرمود: برخی چنان‌اند که اگر حیا نبود حق پدر و مادر و صله رحم را رعایت نمی‌کردند.<sup>۳</sup>

پیامبر ص نیز فرمود: از حرص بپرهیزید، زیرا پیشینیان را به خونریزی و قطع رحم کشانده است.<sup>۴</sup>

### مصادیق و شیوه‌های صله رحم

صله رحم تنها به رفتن به خانه بستگان نیست، بلکه مصادیق فراوانی دارد و مصداق کاملش این است که پیش از دیگران نیاز آنان را برطرف و آنان را

۱. ... فَإِنَّ الرَّحِمَ لَهَا لِسَانٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... فالرَّجُلُ لِيَرَى بِسَبِيلِ خَيْرٍ إِذَا أَتَتْهُ الرَّحِمُ الَّتِي قَطَعَهَا فَتَهْوِي بِهِ إِلَى أَسْفَلِ قَعْرِ فِي النَّارِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۵۶).

۲. ... فَإِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ تُوْجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ وَ لَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَ لَا قَاطِعٌ رَحِمٍ (الكافي، ج ۲، ص ۳۲۹).

۳. ... فَإِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ لَوْلَا الْحَبَاءُ لَمْ يَرِعْ حَقَّ وَالِدَيْهِ وَ لَمْ يَصِلْ ذَا رَحِمٍ (توحيد المفضل، ص ۷۹).

۴. إِيَّاكُمْ وَ الشُّحَّ فَإِنَّهُ دَعَا الدِّينَ مِنْ قَبْلِكُمْ حَتَّى سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَ دَعَاهُمْ حَتَّى قَطَعُوا أَرْحَامَهُمْ (کتاب الخصال، ص ۱۷۶).

خوشحال سازد<sup>۱</sup>، پس صلۀ رحم و پیوند با هر خویشاوندی متناسب با شأن اوست، چنانکه گاه تنها به سلام کردن به او یا پاسخ نیکو دادن به سلام اوست، زیرا وی به کمک مالی نیازی ندارد.

برخی شیوه‌ها و مصادیق صلۀ رحم عبارت‌اند از ترک آزار خویشاوندان، سلام و تکریم، اطعام گرچه به جرعهٔ آبی باشد، عیادت از بیمار<sup>۲</sup>، شرکت در مراسم عزاء<sup>۳</sup>، زیارت و دیدار<sup>۴</sup>، هدیه دادن<sup>۵</sup> و تأمین نیازهای آنان پیش از دیگران<sup>۶</sup>. رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: ای صاحبان خویشاوندی! با همدیگر دیدار کنید؛ ولی همسایه نشوید و به همدیگر هدیه دهید، زیرا زیارت و دیدار، دوستی را محکم می‌کند و همسایگی [ممکن است] موجب گسستگی پیوند شود و هدیه، خوی آدمی را نرم می‌کند<sup>۷</sup>.

امام صادق علیه السلام در احادیثی چنین فرمود: صلۀ رحم کنید، هرچند با سلام کردن باشد<sup>۸</sup>، با خویشانت پیوند برقرار کن، هرچند با دادن جرعه‌ای آب<sup>۹</sup>، با عشیرهٔ خود صلۀ رحم کنید و در تشییع جنازهٔ آنان حاضر شوید، از بیمارشان

۱ . تسنیم، ج ۲، ص ۵۶۰.

۲ . ... وَ عَوَدُوا مَرَضَهُمْ (الکافی، ج ۲، ص ۶۳۶).

۳ . ... وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ (الکافی، ج ۲، ص ۶۳۶).

۴ . ... يَا أَهْلَ الْقُرَابَةِ! تَزَاوَرُوا (الجعفریات، ص ۱۵۳).

۵ . ... يَا أَهْلَ الْقُرَابَةِ! ... تَهَادُوا (الجعفریات، ص ۱۵۳).

۶ . لَا صَدَقَةَ وَ دُو رَحِمٍ مُحْتَاَجٍ (الغیبه، ج ۲، ص ۶۸).

۷ . يَا أَهْلَ الْقُرَابَةِ! تَزَاوَرُوا وَ لَا تَتَجَاوَرُوا وَ تَهَادُوا، فَإِنَّ الزِّيَارَةَ تَزِيدُ فِي الْمَوَدَّةِ وَ التَّجَاوُرُ يُحْدِثُ الْقَطِيعَةَ وَ الْهَدِيَّةُ تَسْلُ الشَّحْنَاءَ (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۰۵).

۸ . صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالتَّسْلِيمِ (الکافی، ج ۲، ص ۱۵۵).

۹ . صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ (الکافی، ج ۲، ص ۱۵۱).

عبادت و حقوق آنان را رعایت کنید<sup>۱</sup>، برترین پیوند خویشاوندی این است که از آزارشان خودداری شود.<sup>۲</sup>

### مرز صله رحم

پیوند خویشاوندی تنها به بستگان خوب و با ایمان اختصاص ندارد، بلکه وظیفه‌ای اخلاقی و الهی است که فراگیر است، از این رو چنانچه پدر و مادر و دیگر خویشاوندان، مؤمن نیز نباشند احترامشان لازم و بر رفع نیازهای آنان تأکید شده است؛ لیکن این ارتباط تا جایی است که به دیگر احکام دین آسیبی نرسد؛ ولی اگر بر اثر این ارتباط، دیگر احکام دین در خطر قرار گیرد نه تنها ارتباط با غیر متدینان لازم نیست بلکه جایز هم نیست.<sup>۳</sup>

خدای سبحان فرمود: ... سفارش ما به انسان این بود که به وی فرمان دادیم که پدر و مادرت را سپاسگزار باش، همان‌گونه که فرمانش دادیم که مرا شکرگزار باش؛ مبدا فرمان نبری و سپاسگزاری نکنی، که بازگشت همگان به سوی من است. و اگر پدر و مادرت تلاش کردند که چیزی را که بدان علم نداری - از آن روی که وجود ندارد - شریک من سازی، از آنان پیروی مکن. البته در کارهای دنیا با آنان به نیکی معاشرت کن.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! خویشاوندانی دارم که جز ستم، قطع رحم و دشنام من، کاری نمی‌کنند، آیا آنان را رها کنم؟ فرمود: در این صورت خدا همه شما را ترک

۱. صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ وَ اَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ ادُّوا حَقُّوقَهُمْ (الکافی، ج ۲، ص ۶۳۶).

۲. اَفْضَلُ مَا تُوَصَّلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا (الکافی، ج ۲، ص ۱۵۱).

۳. تنسیم، ج ۲، ص ۵۶۰-۵۶۱.

۴. ... أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدِكَ إِلَى الْمَصِيرِ \* وَ إِنْ جَهَدَكَ عَلَيَّ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْعِمَا

وَ صَاحِبَيْهِمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا... (سوره لقمان، آیات ۱۴ - ۱۵).



خواهد کرد. پرسید: پس چه کنم؟ فرمود: با کسی که پیوند خود را با تو گسسته پیوند برقرار کن و به آن که تو را محروم ساخته عطا کن و از آن که بر تو ستم کرده در گذر. هرگاه چنین کردی خدا در برابر آنان پشتیبان تو است.<sup>۱</sup>

جَهْمُ بْنُ حُمَيْدٍ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسید: خویشاوندانی که مخالف عقیده دینی من هستند آیا حَقِّی بر عهده‌ام دارند؟ فرمود: آری، حق خویشاوندی دارند که هیچ چیزی آن را قطع نمی‌کند و اگر با تو هم‌عقیده باشند دو حق دارند: حق رحم و حق اسلام.<sup>۲</sup>

### مراتب خویشاوندی (اولویت در صلّه رحم)

با توجه به گستره پیوند خویشاوندی از یک سو و ناتوانی انسان‌ها در رعایت آن با همه خویشاوندان از سوی دیگر، در آیات و روایات به رعایت ترتیب در پیوند خویشاوندی توجه شده است.<sup>۳</sup> بر پایه روایات یاد شده مراتب صلّه رحم به شرح زیرند:

۱. پدر و مادر و از این دو نیز مادر مقدم است؛ ۲. برادران و خواهران؛
۳. دیگر اقوام نسبی (عشیره: عموها، عمه‌ها، دایی‌ها، خاله‌ها، عموزاده‌ها و...)
۴. بستگان سببی (دامادها و...) که تفصیل آن خواهد آمد. البته ازدواج زمینه لحوق سبب به نسب را فراهم می‌کند.

۱. أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَهْلُ بَيْتِي أَبُو إِيَّائِي وَتَوَلَّيْتُ عَلَيَّ وَ قَطِيعَةٌ لِي وَ شَتِيمَةٌ، فَأَرْفُضُهُمْ؟ قَالَ: إِذَا يَرْفُضُكَ اللَّهُ جَمِيعًا. قَالَ: فَكَيْفَ أَصْنَعُ؟ قَالَ: تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطِي مَنْ حَرَمَكَ وَ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ، فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كَانَ لَكَ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ظَهِيرٌ (الكافي، ج ۲، ص ۱۵۰).

۲. عَنِ الْجَهْمِ بْنِ حُمَيْدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَكُونُ لِي الْقَرَابَةُ عَلَيَّ غَيْرَ أَمْرِي، أَلَهُمْ عَلَيَّ حَقٌّ؟ قَالَ: نَعَمْ حَقُّ الرَّحِمِ لَا يَقْطَعُهُ شَيْءٌ وَإِذَا كَانُوا عَلَيَّ أَمْرَكَ كَانَ لَهُمْ حَقٌّ حَقَّانٍ: حَقُّ الرَّحِمِ وَ حَقُّ الْإِسْلَامِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۵۷).

۳. سورة بقره، آيات ۱۸۰ و ۲۱۵.

از رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده: پنج دانه حُرما یا پنج گرده نان یا پنج عیار و درهمی که انسان به دست می‌آورد و می‌خواهد آن را مصرف کند با ارزش‌ترین انفاق‌ها آن است که به والدین خود انفاق کند. دوم بر خود و خانواده‌اش. سوم به نزدیکان تهیدستش. چهارم به همسایگان فقیر. و پنجم در راه خدا که از نظر پاداش کمترین است؛ یعنی تمام اقسام پنج‌گانه چون به دستور خدا و در راه اوست ثواب دارند؛ ولی ثواب صدقه از ثواب آن چهار کار خیر کمتر است.

امام حسین سَلَّمَ اللهُ عَلَيْهِ می‌فرماید از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم می‌فرمود: [در رعایت حقوق خویشاوندی] از خانواده خود آغاز کن: نخست به مادرت، پدرت، خواهرت، برادرت. سپس با رعایت مراتب نزدیکان، هر یک به تو نزدیک‌ترند.<sup>۱</sup>

به امیرمؤمنان سَلَّمَ اللهُ عَلَيْهِ نیز فرمود: ای علی! برای نیکی با والدین خود دو سال و برای پیوند خویشاوندی یک سال سفر کن...<sup>۲</sup>

## موارد صلۀ رحم

تعبیرهای بیانگر موارد و مصادیق رحم در آیات و روایات عبارت‌اند از: والدین، مادر، پدر، خانواده، فرزند، دختر، پسر، همسر، شوهر، برادر، خواهر، سایر ارحام نسبی، خویشاوندان سببی مانند پدر زن، مادر زن و داماد و... است که روایات مربوط به هر یک به ترتیب می‌آیند.

۱. خَمْسُ تَمَرَاتٍ أَوْ خَمْسُ فُرُصٍ أَوْ دَنَانِيرٍ أَوْ دَرَاهِمٍ يَمْلِكُهَا الْإِنْسَانُ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يَمْضِيَهَا فَأَفْضَلُهَا مَا أَنْفَقَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى وَالِدَيْهِ ثُمَّ الثَّانِيَةَ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ ثُمَّ الثَّلَاثَةَ عَلَى قَرَابَتِهِ الْفُقَرَاءِ ثُمَّ الرَّابِعَةَ عَلَى جِيرَانِهِ الْفُقَرَاءِ ثُمَّ الْخَامِسَةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَهُوَ أَحْسَنُهَا أَجْرًا (الكافي، ج ۵، ص ۶۵).

۲. اَبْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ: أُمِّكَ وَ أَبَاكَ وَ أُخْتَكَ وَ أَخَاكَ ثُمَّ أَدْنَاكَ فَأَدْنَاكَ وَ قَالَ: لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحِمٍ مُحْتَاجٍ (الاختصاص، ص ۲۱۹).

۳. يَا عَلِيُّ! سِرِّ سِتِّينَ بَرًّا وَ الْوَالِدِيكَ وَ سِرِّ سَنَةَ صِلِ رَحِمَكَ (الفتية، ج ۴، ص ۳۶۱).

## ۱. نیکی به والدین

## والدین

احسان به والدین (به عنوان عام) چنان مهم است که حتی شرک آنان مانع احسان به آنان نیست، گرچه باید از عقاید مشرکانه آنان به دور بود، و از کمترین بی‌احترامی و آسیب رساندن به آنان نهی شده و نهایت فروتنی و مهربانی به آن دو در حال حیات و مرگشان توصیه و معادل نماز، جهاد، حج و... شمرده شده است، حتی تشکر از آنان مقارن شکر الهی قرار گرفته است. آیات قرآنی بهترین گواه اهمیت نیکی به والدین است:

۱. و پروردگار تو مقرر داشته است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود نیکی کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به کهنسالی رسیدند به آنان کلمه‌ای ناخوشایند مگوی و با آنان پرخاشگری مکن و با ادب و احترام با آنان سخن بگوی.<sup>۱</sup>

۲. و از سر مهربانی بال فروتنی را برای آن دو بگستر و بگو: پروردگارا! بر آنان رحمت آور، چنان‌که مرا در کودکی پروردند.<sup>۲</sup>

۳. اگر پدر و مادرت تلاش کردند که چیزی را که بدان علم نداری - از آن روی که وجود ندارد - شریک من سازی، از آنان پیروی مکن. البته در کارهای دنیا با آنان به نیکی معاشرت کن و در حقشان ستم و خشونت روا مدار.<sup>۳</sup>

۱. ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا أَمَا يَتَّبَعْنَ عِنْدَكَ الْكِبَرُ أَخَذَهُمَا أَوْ كَلَاهُمَا فَلَاتَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَا لَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ (سوره اسراء، آیه ۲۴).

۲. ﴿وَ اخْبِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلٰلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾ (سوره اسراء، آیه ۱۳).

۳. ﴿وَ اِنْ جِهَدَاكَ عَلٰى اَنْ تُشْرِكَ بِى مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ صَاحِبُهُمَا فِى الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ (سوره لقمان، آیه ۱۵).

منصور بن حازم از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام پرسید: با ارزش‌ترین اعمال کدام است؟ امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: نماز در وقت خود، نیکی به پدر و مادر و جهاد در راه خدا.<sup>۱</sup>

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: خدا در سه چیز برای هیچ‌کس رخصتی قرار نداده است: ادای امانت به نیکوکار و بدکار، وفای به عهد به نیکوکار و بدکار و نیکی با والدین، نیکوکار باشند یا بدکار.<sup>۲</sup> این تکلیف درباره والدین حتی پس از مرگ آن دو نیز استمرار دارد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: سرور نیکوکاران در قیامت مردی است که به والدین خود پس از مرگشان نیکی کند.<sup>۳</sup>

### برخی زمان‌ها برای نیکی به والدین

نیکی به والدین زمانی معین ندارد؛ ولی در برخی زمان‌ها پاداشی مضاعف دارد؛ به فرموده امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام یکی از بهترین اعمال روز عید قربان، نیکی به والدین است.<sup>۴</sup>

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرکس قبر پدر و مادرش را در هر روز جمعه زیارت کند بخشوده می‌شود و از نیکوکاران به شمار می‌آید.<sup>۵</sup>



۱. عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: قُلْتُ: أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ لِقَوْلِهَا وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (الكافي، ج ۲، ص ۱۵۸).

۲. ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً: إِذَا مَا الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۶۲).

۳. سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرٌّ وَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا (بحار الانوار، ج ۷، ص ۸۶).

۴. مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ يَوْمَ النَّحْرِ مِنْ دَمِ مَسْفُوكٍ أَوْ مَشْيٍ فِي بَرِّ الْوَالِدَيْنِ أَوْ ذِي رَحِمٍ شَاطِعٍ (مصابح الحاصل، ص ۲۹۸).

۵. مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِيهِ أَوْ أَحَدِهِمَا فِي كُلِّ جُمُعَةٍ غُفِرَ لَهُ وَكُتِبَ بَرًّا (بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۵۹).

## برخی از آثار نیکی به والدین

رضایت الهی: بر پایه روایتی نخستین چیزی که خدا در لوح محفوظ نگاشته این است که خدایی جز من نیست و هر کس پدر و مادرش از او خوشنود باشند من از او خوشنود هستم.<sup>۱</sup>

نزول رحمت آسمانی: رسول خدا ﷺ فرمود: درهای رحمت آسمان در چهار هنگام گشوده می‌شود: هنگام بارش باران، هنگام نگاه فرزند به چهره والدین، هنگام گشوده شدن در کعبه و هنگام عقد ازدواج.<sup>۲</sup>

بهره‌مندی از برترین غرفه‌های بهشتی: امام باقر سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: چهار صفت است که در هر یک از مؤمنان باشد، خدا او را در والاترین مرتبه بهشت، در غرفه‌هایی برتر از همه غرفه‌های بهشتی و عالی‌ترین مرتبه شرف جا می‌دهد... کسی که به پدر و مادر خود اتفاق کند، با آن دو مدارا کند، به آنان نیکی کند و آن دو را اندوهگین نسازد.<sup>۳</sup>

بهره‌مندی از سایه عرش الهی: امام صادق سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: روزی حضرت موسی سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در حال مناجات با پروردگارش مردی را در سایه عرش الهی دید. پرسید: پروردگارا! این کیست که عرش تو بر او سایه افکنده است؟ فرمود: او کسی است که نیکوکار به پدر و مادر خود است و اهل سخن چینی نیست.<sup>۴</sup>

۱. رَوِيَ أَنَّ أَوَّلَ مَا كَتَبَهُ اللَّهُ فِي اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ: إِنِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا مَنْ رَضِيَ عَنْهُ وَالِدَاهُ فَأَنَا عَنْهُ رَاضٍ (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۶).

۲. يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ: عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ وَ عِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ عِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ وَ عِنْدَ النِّكَاحِ (جامع الاخبار، ص ۱۰۱).

۳. أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَسْكَنَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ فِي غَرْفٍ فَوْقَ غَرْفٍ فِي مَحَلِّ الشَّرَفِ كُلِّ الشَّرَفِ ... مَنْ أَنْفَقَ عَلَىٰ وَالِدَيْهِ وَ رَفَّقَ بِهِمَا وَ بَرَّهُمَا وَ لَمْ يَحْزَنْهُمَا (الامالی، مفید، ص ۱۶۷).

۴. بَيْنَا مُوسَىٰ بْنَ عِمْرَانَ سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يُنَاجِي رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِذْ رَأَى رَجُلًا تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ،

نشانه تشیع: امام صادق علیه السلام فرمود: ای جابر! شیعیان ما شناخته نمی شوند مگر با... نیکی به والدین.<sup>۱</sup>

## مادر

توجه به مقام مادر و عظمت رنجی که برای فرزند تحمل کرده، زمینه ساز آشنایی با جایگاه مادر است، از همین رو امام سجاد علیه السلام فرمود: حق مادرت این است که بدانی او تو را به گونه ای حمل کرد که هیچ کس، دیگری را چنین حمل نمی کند و تو را از ثمره قلب خود چیزی عطا کرد که هیچ کسی به دیگری نمی دهد و تو را با همه اعضای بدن خود محافظت کرد و باکی نداشت که خود گرسنه باشد و به تو غذا دهد، یا تشنه باشد و تو را سیراب کند، یا خودش عریان باشد و تو را بپوشاند، یا خود در آفتاب باشد و تو را در سایه قرار دهد و برای تو از خوابش بگذرد و تو را از سرما و گرما حفظ کرد تا برای او باشی. بدان که توان شکر او را نداری جز به یاری خدا و توفیق او.<sup>۲</sup>

### اولویت حق مادر

حق مادر به قدری گسترده و مهم است که حتی از حق پدر برتر است، از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرگاه در نماز مستحب بودی و پدرت تو را

فَقَالَ: يَا رَبُّ! مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ أَظْلَعُ عَرْشُكَ؟ فَقَالَ: هَذَا كَانَ بَارًا بِوَالِدَيْهِ وَ لَمْ يَمْشِ بِالنَّمِيمَةِ (الامالی، صدوق، ص ۱۸۰).

۱. قَوْلَ اللَّهِ مَا شِيعَتْنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ... وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَ... وَالْبَرُّ بِالْوَالِدَيْنِ (الكافي، ج ۲، ص ۷۴).
۲. وَأَمَّا حَقُّ أُمِّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطِي أَحَدٌ أَحَدًا وَ وَفَّقَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَ لَمْ تَبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَ تَطْعَمَكَ وَ تَعْطَشَ وَ تَسْقِيكَ وَ تَعْرَى وَ تَكْسُوكَ وَ تَضْحَى وَ تَظْلِكَ وَ تَهْجُرُ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ وَ وَفَّقَكَ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ لِتَكُونَ لَهَا، فَإِنَّكَ لَا تَطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ (الفتاوى، ج ۲، ص ۶۲۱).

فراخواند، نمازت را قطع نکن<sup>۱</sup>؛ ولی اگر مادرت تو را فراخواند نمازت را قطع [و اجابتش] کن.<sup>۲</sup>

### فزونی نیکی به مادر

امام باقر سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ می‌فرماید: حضرت موسی بن عمران سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ سه بار به خدا عرض کرد: پروردگارا! به من توصیه‌ای کن! خدای سبحان در هر سه بار فرمود: تو را به خودم سفارش می‌کنم؛ آن گاه عرض کرد: پروردگارا! مرا سفارش کن! فرمود: تو را سفارش می‌کنم به مادرت. سپس عرض کرد: پروردگارا! مرا سفارش کن. فرمود: تو را به مادرت سفارش می‌کنم. باز گفت: پروردگارا! مرا سفارش کن. فرمود: تو را به پدرت سفارش می‌کنم. امام باقر سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ افزود: از همین رو گفته می‌شود که حق مادر از نیکی، دو سوم و برای پدر یک سوم است.<sup>۳</sup>

**نکته:** هرچند در احادیث شریف، بر نیکی به مادر، بیش از نیکی به پدر توصیه شده است، در این حدیث مبارک این احتمال وجود دارد که توصیه یاد شده به حضرت موسی سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ به جهت ویژگی مادر آن گرامی است.

امام رضا سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در تقدّم حق مادر فرمود: بدان که حق مادر لازم‌ترین حقوق و واجب‌ترین آن است، زیرا او به گونه‌ای فرزند را حمل کرد که هیچ‌کس، دیگری را چنین حمل نمی‌کند؛ او با گوش، چشم و همه جوارح خود از فرزند مراقبت

۱. رها کردن و قطع نماز مستحب اشکال ندارد.

۲. إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فَإِنْ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَلَا تَقْطَعْهَا وَإِنْ دَعَاكَ وَالِدَتُكَ فَاقْطَعْهَا (مسندری الوصائل، ج ۱۵، ص ۱۸۱).

۳. قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: يَا رَبِّ! أَوْصِنِي. قَالَ: أَوْصِيكَ بِي، فَقَالَ: يَا رَبِّ! أَوْصِنِي. قَالَ: أَوْصِيكَ بِي ثَلَاثًا. قَالَ يَا رَبِّ! أَوْصِنِي. قَالَ: أَوْصِيكَ بِأُمَّكَ. قَالَ: يَا رَبِّ! أَوْصِنِي. قَالَ: أَوْصِيكَ بِأُمَّكَ. قَالَ: أَوْصِنِي. قَالَ: أَوْصِيكَ بِأَبِيكَ. قَالَ: فَكَانَ يُقَالُ لِأَجْلِ ذَلِكَ أَنْ لِسَلَامٍ ثَلَاثِي الْبِرِّ وَ لِأَدَبِ الثَّلَاثِ (الامالی، صدوق، ص ۵۱۱).

کرد، در حالی که از این کارش شادمان و امیدوار بود، پس او فرزندش را با آن سختی که هیچ کس بر چنین سختی صبر نمی‌کند حمل کرد و راضی شد که خود گرسنه و فرزندش سیر باشد، خود تشنه و فرزندش سیراب باشد، خود برهنه و فرزندش پوشیده باشد و فرزند در سایه باشد، در حالی که خود در آفتاب به سر می‌برد، پس سپاسگزاری از مادر و نیکی به وی باید به اندازه این فداکاری او باشد، گرچه شما توان ادای کمترین حق او را ندارید، مگر به یاری خدا و خدای عز و جلّ حق او را قرین حق خود قرار داد و فرمود: مرا شکرگزار باش؛ مبدا فرمان نبوی و سپاسگزاری نکنی که بازگشت همگان به سوی من است.<sup>۱</sup>

### پدر

آگاهی از حق پدر و ارزش و منزلت وی گام نخست در احسان به اوست. رسول خدا ﷺ فرمود: رضایت پروردگار در رضایت پدر و خشم پروردگار نیز در خشم پدر است.<sup>۲</sup>

### پدر، ریشه نعمت‌ها

امام سجّاد ع می‌فرماید: حق پدرت این است که بدانی او ریشه تو و تو شاخه او هستی و بدان که اگر او نبود تو نیز نبودی، پس هر گاه در خودت نعمتی

۱. وَ اعْلَمُ أَنَّ حَقَّ الْأُمِّ أَلْزَمُ الْحُقُوقِ وَأَوْجِبُهَا لِأَنَّهَا حَمَلَتْ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ وَقَّتْ بِالسَّمْعِ وَ الْبَصَرِ وَ جَمِيعِ الْجَوَارِحِ مَسْرُورَةً مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ، فَحَمَلَتْهُ بِمَا فِيهِ مِنَ الْمَكْرُوهِ وَ الَّذِي لَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ أَحَدٌ وَ رَضِيَتْ بِأَنْ تَجُوعَ وَ يَشْبَعَ وَ لَدَهَا وَ تَطْمَأَ وَ يَرُوى وَ تَعْرِى وَ يَكْتَسِبِي وَ يَظِلُّ وَ تَضْحَى، فَلْيَكُنِ الشُّكْرُ لَهَا وَ الْبِرُّ وَ الرَّفْقُ بِهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ إِنْ كُنْتُمْ لَا تُطِيفُونَ بِأَدْنَى حَقِّهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ قَدْ قَرَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَقَّهَا بِحَقِّهِ، فَقَالَ: ﴿إِنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدِكَ إِلَى

المصرّة﴾ [سوره لقمان، آیه ۱۴] (فقه الرضا ع، ص ۳۳۴).

۲. رِضًا الرَّبِّ فِي رِضَا الْوَالِدِ وَ سَخَطُ الرَّبِّ فِي سَخَطِ الْوَالِدِ (سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۰۷).



یافتی که شادمانت می‌کند بدان که پدرت برای تو ریشه آن نعمت است و حمد خدا به جای آور و به اندازه آن نعمت از او شکرگزار باش.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام هم در این باره فرمود: بر تو باد به فرمانبرداری از پدر و نیکی به وی و فروتنی و خاکساری در برابر او و بزرگداشتن و گرمی‌داشتن او و نیز آرام سخن گفتن در حضورش، زیرا پدر ریشه و پسر شاخه اوست. اگر پدر نبود خدا پسر را هم تقدیر نمی‌کرد. اموال و آبرو و جانان را برایشان بذل کنی که... جان و مال تو برای پدر است، پس در دنیا از پدران به نیکی پیروی کنید و پس از مرگشان برای آنان دعا و طلب رحمت کنید...<sup>۲</sup>

البته این، بدان معنا نیست که پدر حق جفا بر فرزند داشته باشد، بلکه اگر جفا کند گرفتار عاق فرزند شدن می‌شوند.

راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: مرد از مال فرزندش چه مقدار حق دارد؟ فرمود: به اندازه غذای روزانه و بدون اسراف، آن هم هنگام احتیاج و ناچاری. راوی پرسید: پس درباره این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله چه می‌گویید که به مردی فرمود: «تو و مالت از آن پدرت هستی؟» امام علیه السلام فرمود: آن مرد پدرش را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و گفت: ای رسول خدا! پدرم درباره میراث مادری‌ام به من ستم کرده است. پدرش گفت: من آن را برای همین فرزند و خودم هزینه کردم. پیامبر

۱. وَ أَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَتَعْلَمُ أَنَّهُ أَصْلُكَ وَ أَنَّكَ فَرْعُهُ وَ أَنَّكَ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ، فَمَهْمَا رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النِّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ وَ أَحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ (تحف العقول، ص ۲۶۳).

۲. عَلَيْكَ طَاعَةُ أَبِي وَ بَرُّهُ وَ التَّوَاضُّعُ وَ الخُضُوعُ وَ الإِعْظَامُ وَ الإِكْرَامُ لَهُ وَ خَفْضُ الصَّوْتِ بِحَضْرَتِهِ فَإِنَّ أَبَاكَ أَصْلُ الْإِبْنِ وَ الْإِبْنُ فَرْعُهُ لَوْلَاهُ لَمْ يَكُنْ يُقَدِّرُهُ اللَّهُ ابْتَدَلُوا لَهُمُ الْأَمْوَالَ وَ الْجَاهَ وَ النَّفْسَ وَ قَدْ أَرَوْنِي أُمَّتٌ وَ مَالِكٌ لِأَبِيكَ فَجَعَلْتُ لَهُ النَّفْسَ وَ الْمَالُ تَابِعُوهُمْ فِي الدُّنْيَا أَحْسَنَ التَّمَاتِبَةِ بِالْبِرِّ وَ بَعْدَ الْمَوْتِ بِالِدُعَاءِ لَهُمْ وَ التَّرْحِمِ عَلَيْهِمْ... (فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۳۴؛ بحار الانوار،

به فرزند فرمود: خودت و مالت از آن پدرت هستی و این در حالی بود که نزد آن پدر مالی نبود. آیا [به گمان شما] رسول خدا [باید آن] پدر را به سود فرزند زندانی می‌کرد؟<sup>۱</sup>

### استمرار نیکی به پدر

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام ضمن توصیه به دعا برای پدر پس از مرگ وی می‌فرماید: روایت شده که هرکس در حیات پدرش با او نیکی کند ولی پس از وفاتش برای او دعا نکند خدا او را «قاطع رحم» نام می‌نهد.<sup>۲</sup>

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: اگر کسی به والدین خود در زمان حیات آن دو نیکوکار بود ولی پس از مرگ آنان بدهکاریشان را نمی‌پردازد و برای آنان استغفار نمی‌کند خدا وی را عاق و والدین به شمار می‌آورد.<sup>۳</sup>

### قطع پیوند با والدین

خدا گسستن پیوند با والدین را نکوهیده و درباره آن تهدید کرده است. کسانی

۱. عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام: مَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ مِنْ مَالِ وَلَدِهِ؟ قَالَ: قُوَّتُهُ بغير سرف إذا اضطرَّ إليه. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: فَقَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلرَّجُلِ الَّذِي آتَاهُ فَقَدَّمَ أَبَاهُ فَقَالَ لَهُ: أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَبِيكَ؟ فَقَالَ: إِنَّمَا جَاءَ بِأَبِيهِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَذَا أَبِي وَ قَدْ ظَلَمَنِي مِيرَاثِي مِنْ أُمِّي فَأَخْبَرَهُ الْأَبُ أَنَّهُ قَدْ أَنْفَقَهُ عَلَيْهِ وَعَلَى نَفْسِهِ، فَقَالَ: أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَبِيكَ وَ لَمْ يَكُنْ عِنْدَ الرَّجُلِ شَيْءٌ أَفَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَحْسِبُ الْأَبَ لِلْإِبْنِ (الكافي، ج ۵، ص ۱۳۶).

۲. عَلَيْكَ بِطَاعَةِ الْأَبِ وَ بِرِّهِ... وَ بَعْدَ الْمَوْتِ بِالِدُعَاءِ لَهُمْ وَ التَّرَحُّمِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّهُ رُوِيَ أَنَّهُ مَنْ بَرَّ أَبَاهُ فِي حَيَاتِهِ وَ لَمْ يَدْعُ لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ سَمَّاهُ اللَّهُ عَاقًا (فقه الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۳۳۴؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۷).

۳. إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ بَارًّا بِوَالِدَيْهِ فِي حَيَاتِهِمَا ثُمَّ يَمُوتَانِ فَلَا يَقْضِي عَنْهُمَا السَّيِّئَاتِ وَلَا يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا فَيَكْتَبَهُ اللَّهُ عَاقًا (الزهد، ص ۳۳).

که پدر و مادر خود را تحقیر و به آنان اهانت می‌کنند به سرانجامی بد گرفتار می‌شوند.

در قرآن کریم آمده است: و آن کس که به پدر و مادر خود، آن‌گاه که او را به پذیرش رستخیز فرا خواندند، گفت: اف بر شما... اینان کسانی‌اند که آن سخن (وعده عذاب) درباره آنان به حقیقت پیوست، در حالی که در میان امت‌هایی از جنیان و آدمیان هستند که پیش از آنان در گذشتند. قطعاً اینان زیانکارند.<sup>۱</sup> این آیه تنها درباره فرزندان کفرپیشه نیست، بلکه محور آن، نکوهش اهانت و تحقیر والدین است، چنان‌که خدا در آیه‌ای دیگر، این کار را نکوهیده و فرموده است: و... به آنان کلمه‌ای ناخوشایند مگوی و با آنان پرخاشگری مکن.<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ نیز فرمود: از ستم بر والدین بپرهیزید، زیرا بوی بهشت از راهی هزار ساله به مشام می‌رسد؛ ولی عاق والدین... آن را نمی‌یابد.<sup>۳</sup>

امام صادق ع فرمود: پایین‌ترین مرتبه عاق والدین شدن، اف گفتن است. اگر خدا چیزی کمتر از اف گفتن نشان می‌داشت، از آن نهی می‌کرد؛<sup>۴</sup> همچنین فرمود: هرکس به والدین خود در حالی که به او ستم کرده‌اند خشمگینانه بنگرد خدا نمازش را نمی‌پذیرد.<sup>۵</sup>

شدیدترین مرحله در عاق والدین شدن، کشتن آنان است. پیامبر ص فرمود: بالاتر از هر عقوقی (ستم بر والدین) ستمی هست تا اینکه کسی یکی از

۱. ﴿وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أَفْ لَكُمْ... \* أَوْلِيَاكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَبِيرِينَ﴾ (سوره احقاف، آیات ۱۷ - ۱۸).

۲. ﴿فَلَا تَنْظُرْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرُهُمَا﴾ (سوره اسراء، آیه ۲۳).

۳. إِيَّاكُمْ وَ عَقُوقَ الْوَالِدَيْنِ، فَإِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ تُوْجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ وَلَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَلَا قَاطِعٌ رَجِمٌ... (الكافي، ج ۲، ص ۳۴۹).

۴. أَدْنَى الْعُقُوقِ أَفٌ وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ أَيْسَرُ مِنْهُ لَنَهَى عَنْهُ (الكافي، ج ۲، ص ۳۴۹).

۵. مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ نَظْرَ مَافٍ وَ هَمَّا طَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةَ (الكافي، ج ۲، ص ۳۴۹).

والدین خود را بکشد و هرگاه چنین کرد عقوقی بدتر از آن نیست.<sup>۱</sup> مراد از عقوق والدین همان ستم و آزردن آن دو است که موجب گسستن پیوند خویشاوندی با آنان است.<sup>۲</sup>

## برخی از آثار بدرفتاری با پدر و مادر

بدرفتاری با پدر و مادر<sup>۳</sup> افزون بر کیفر اخروی زیانهای دنیوی نیز دارد. برپایه حدیثی قدسی، خدا فرمود: به عزت و جلال و بلندی شانم سوگند اگر عاق والدین عبادت همه پیامبران سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ را انجام دهد از او نمی‌پذیرم.<sup>۴</sup>

امام هادی سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: عقوق والدین موجب کاهش [و مرگ افراد خاندان] و ذلت و خواری در دنیا می‌شود<sup>۵</sup> و به فرموده امام صادق سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ از جمله پیامدهای دنیوی آزار والدین، مانع شدن از اجابت دعاست و هوا [فضای معنوی] را تاریک می‌کند.<sup>۶</sup>

۱. **إِنْ فَوْقَ كُلِّ عُقُوقٍ عُقُوقًا حَتَّى يَمُتَلَ الرَّجُلُ أَحَدَ وَالِدَيْهِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَلَيْسَ فَوْقَهُ عُقُوقٌ** (الکافی، ج ۲، ص ۳۴۸).

۲. **أَذْنَى الْعُقُوقِ أَوْ إِذَا آذَاهُ وَ عَصَاهُ وَ تَرَكَ الْإِحْسَانَ إِلَيْهِ وَ هُوَ الْبَرِّ بِهِ. وَ أَصْلُهُ مِنَ الْعَقِّ وَ هُوَ الشَّقُّ وَ الْقَطْعُ** (مجمع البحرین، ج ۵، ص ۲۱۵ «ع ق ق»).

۳. **قال رسول الله ﷺ: ... فَلَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَنْ يَصِيرَ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ الْكُفْرِ إِلَّا أَنْ يَدْخُلَ فِي عُقُوقٍ أَوْ قَطْبِيعَةٍ رَحِمَ (الکافی، ج ۶، ص ۵۰) وقال الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْكَبَائِرِ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْعَاقَ عَصِيماً شَقِيماً** (علل الشرائع، ص ۷۴۹).

۴. **بِعِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِي! لَوْ أَنَّ الْعَاقَ لِي وَالِدَيْهِ يَعْمَلُ بِأَعْمَالِ الْأَنْبِيَاءِ جَمِيعاً لَمْ أَقْبَلْهَا مِنْهُ** (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۷۱).

۵. **الْعُقُوقُ يَعْقِبُ الْقَلَةَ وَ يُؤَدِّي إِلَى الذَّلَّةِ** (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۴).

۶. **الدُّنُوبُ ... الَّتِي تَرُدُّ الدَّعَاءَ وَ تُظْلِمُ الْهَوَاءَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ** (الکافی، ج ۲، ص ۲۴۸).

## دعا برای والدین

سزاوار است مؤمنان افزون بر نیکی به والدین، دعای امام سجاد سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ درباره والدین را بخوانند و از خدا توفیق ادب و احترام و نیکی به والدین را بخواهند. آن دعا این است:

(۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَاخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَسَلَامِكَ؛ خدایا! رحمت فرست بر محمد بنده و پیغمبرت و خاندان پاکش و آنان را به بهترین رحمت و درود و برکت و سلام مخصوص گردان.

(۲) وَاخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَالصَّلَاةَ مِنْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ خدایا پدر و مادر مرا به کرامت نزد خود و درود از جانب خود مخصوص گردان ای ارحم الراحمین.

(۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْهَمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَىٰ إِلَهُمَا، وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلَّهُ تَمَامًا، ثُمَّ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَلْهَمُنِي مِنْهُ وَوَقِّنِي لِلتَّفُؤُذِ فِيمَا تَبَصَّرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَفُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عِلْمْتَنِيهِ، وَلَا تَثْقُلَ أَرْكَانِي عَنِ الْحَقُوفِ فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ؛ خدایا! درود بر محمد و آل او فرست و در دل من انداز که تکالیف خود را درباره آنان بشناسم و وظائف خود را به کمال فراگیرم و توفیق ده تا آنچه سرا آموخته‌های بکار بندم و آنچه به تعلیم تو دریافته‌ام انجام دهم چنانکه هیچ یک از دانسته‌هایم عمل ناکرده نماند و اعضای من در آنچه آموخته‌ام گرانی نکند.

(۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَفْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ؛ خدایا! درود فرست بر محمد و آل او چنانکه ما را به سبب او شرافت دادی و درود بر محمد و آل او فرست چنانکه به برکت او حقی برای ما بر گردن خلق ثابت فرمودی.

(۵) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ، وَ آبَرُهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ، وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيَّ وَ بَرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ التُّوسْتَانِ، وَ أَثْلَجَ لَصَدْرِي مِنْ شَرِّبَةِ الظُّمَّانِ حَتَّى أُوشِرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَ أَقْدَمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا وَ اسْتَكْثَرَ بَرَّهُمَا بِي وَ إِنِّ قَلٌّ، وَ اسْتَقِلَّ بَرِّي بِهِمَا وَ إِنِّ كَثْرٌ؛ خدایا چنان کن که هیبت پدر و مادر در دل من چون هیبت پادشاهی خودکام قرار گیرد اما من با آنها مانند مادر مهربان باشم. خدایا طاعت پدر و مادر و نیکی با آنها را برای من مطبوع‌تر گردان از خواب در دیده خسته و گواراتر از آب سرد در کام تشنه چنانکه خواهش دل آنها را بر خواهش دل خود مقدم دارم و پسند خاطر آنان را بر پسند خاطر خود برگزینم و نیکی آنها را درباره‌ی خود گرچه اندک باشد بسیار شمارم و نیکی خود را درباره‌ی آنها اگر چه بسیار باشد اندک بینم.

(۶) اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَ أَطْبِ لَهُمَا كَلَامِي، وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكَتِي، وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَ صَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَ عَلِيْهُمَا شَفِيقًا؛ خدایا آواز مرا پیش ایشان پست و سخن مرا با آنها خوش گردان و خوی مرا نرم کن و دل مرا بر آنها مهربان و مرا نسبت به آنها خوشرفتار و دلسوز گردان.

(۷) اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرَبِّيْتِي، وَ أَثْبِتْهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي، وَ احْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظْتَهُ مِنِّي فِي صِغَرِي؛ خدایا آنان را در ازای پروراندن من جزای نیکو ده و در مقابل عزیز داشتن من پاداش بزرگ مرحمت کن و چون مرا در خردی از آسیب و گزند نگاهداشتند تو نیز آنان را نگاهداری کن.

(۸) اللَّهُمَّ وَ مَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى، أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهٍ، أَوْ ضَاعَ قَبْلِي لَهُمَا مِنْ حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لَدُنُوبِهِمَا، وَ عَلُوًّا فِي دَرَجَاتِهِمَا، وَ زِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ؛ خدایا اگر آزاری از من بدانها رسید یا ناپسندی از من دیدند یا حقی از آنها پیش من ضایع شد آن را موجب ریزش گناهان و بلندی درجات اخروی و افزایش حسنات آنها قرار ده ای کسی که سیئات را به چندین برابر حسنات مبدل می‌کنی.

(۹) اللَّهُمَّ وَمَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ أَسْرَفًا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ، أَوْ ضَيِّعَاءُ لِي مِنْ حَقٍّ، أَوْ قَصْرًا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتَهُ لَهُمَا، وَجُدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا وَرَعَبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعٍ تَبَعْتَهُ عَنْهُمَا، فَإِنِّي لَا أَتَهُمَا عَلَى نَفْسِي، وَلَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِي بَرِّي، وَلَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ أَمْرِي يَا رَبُّ! خدایا! هر چه بر من تعدی کردند به گفتار تند و کردار ناپسند یا حقی از من ضایع کردند یا در وظیفه من کوتاهی نمودند از آنها درگذشتم و بخشیدم و از تو می‌خواهم که تبعیت آن را از آنها برداری چون من رفتار آنان را درباره‌ی خود نیک شمرده‌ام احسان آنها را کامل شناختم‌ام و در کار من هر چه کردند ناخوش ندارم ای پروردگار من!

(۱۰) فَهَمَا أَوْجِبُ حَقًّا عَلَيَّ، وَ أَقْدِمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ، وَ أَعْظِمُ مَنَّةً لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بَعْدَلٍ، أَوْ أَجَازِيَهُمَا عَلَيَّ مِثْلَ، أَيْنَ إِذَا يَا إِلَهِي طُولُ شُغْلِهِمَا بَرِّيَّتِي وَ أَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي وَ أَيْنَ إِفْتَارُهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ؛ حق آنها بر من واجب‌تر است و احسان آنها بیشتر و نعمت آنها بزرگ‌تر از آنکه دادخواهی کنم و به مانند عمل آنها را مکافات دهم. ای خدای من! چه روزگار درازی که در پرورش من گذرانیدند و چه رنج‌های سخت که در نگاهداری من کشیدند و چه اندازه بر خود تنگ گرفتند تا زندگی بر من فراخ باشد.

(۱۱) هِيَاهُ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا، وَ لَا أَدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا، وَ لَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيْمَةٌ خَدْمَتَهُمَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ، وَ أَعْنِي يَا خَيْرَ مَنْ اسْتَعِينَ بِهِ، وَ وَقِّفْنِي يَا أَهْدَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ، وَ لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِللَّبَاءِ وَ الْأَمْهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ هیهات که هر چه حق آنها را ادا نکرده و تکلیف خود را درباره‌ی آنها انجام نتوانم داد و به وظیفه‌ی خویش در خدمت آنها عمل نتوانم کرد پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا یاری کن، ای بهترین کسی که خلق از وی یاری می‌جویند! و مرا توفیق ده ای راهنما تر کسی که از او هدایت می‌طلبند! و مرا از آن گروه مگردان که با پدران و مادران بد رفتار بودند، روزی که هر کس کیفر کردار خویش ببند و بر کسی ستم نشود.

(۱۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَاخْصِصْ أَبُوِي بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُمَّهَاتِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ خدایا! بر محمد و خاندان و فرزندان او درود فرست و پدر و مادر مرا به بهترین اجر مخصوص کن که پدران و مادران بندگان مؤمنت را بدان تخصیص می‌دهی، ای ارحم‌الراحمین.

(۱۳) اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَذْبَارِ صَلَوَاتِي، وَفِي إِنْئِي مِنْ أَنْاءِ لَيْلِي، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي؛ خدایا یاد آنها را پس از نمازها و در هیچ یک از اوقات شب و ساعات روز از خاطر من مبر.

(۱۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْ لِي بَدْعَائِي لَهُمَا، وَاغْفِرْ لَهُمَا بِيْرَهُمَا بِي مَغْفِرَةً حَتْمًا، وَارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًى عَزْمًا، وَبَلِّغْهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ؛ خدایا بر محمد و آل او درود فرست و مرا بیمارز، چون درباره آنها دعای خیر کردم و آنها را بیمارز، چون درباره من نیکی کردند و از آنها پیوسته بخشنود باش به شفاعت من و به کرم خود به جای امن و سلامت رسانشان.

(۱۵) اللَّهُمَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنَّ الْقَدِيمِ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ پروردگارا! اگر آنها را پیش از این آمرزیده‌ای شفاعت آنان را درباره من بپذیر و اگر مرا پیش از این آمرزیده‌ای شفاعت مرا درباره آنها قبول کن تا به رحمت تو در سرای کرامت و جای آمرزش و رحمت تو گرد آییم که تویی صاحب فضل عظیم و نعمت قدیم و تو مهربان‌ترین مهربانانی.



## ۲. نیکی به خانواده

### خانواده

خانواده، نخستین کانون رشد و آرامش بشری است<sup>۱</sup> که مراقبت از آن مسئولیتی سنگین به شمار آمده و موجب نجات از رنج و عذاب دنیوی و اخروی خواهد گردید.<sup>۲</sup> قرآن و روایات برای خانواده اهمیت ویژه‌ای قائل شده و احکام و آداب فراوانی برای رشد و بالندگی آن مقرر کرده‌اند<sup>۳</sup> که افزون بر رعایت آن‌ها برای رفاه و آسایش و رشد و تعالی خانواده، باید از خدای سبحان نیز نجات و آسایش خانواده را خواست.

وقتی حضرت ابراهیم سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ به فرمان خدا همسر و فرزند خود را به مکه آورد، دست به دعا برداشت و عرض کرد: پروردگارا! من برخی از فرزندانم (اسماعیل و نسل او) را در سرزمین بی‌کشت و زرع، در کنار خانه محترم تو سکونت دادم؛ پروردگارا! تا نماز را برپا دارند، پس دل‌های گروهی از مردم را به آنان گرایش ده و آنان را از میوه‌ها و محصولات روزی عطا کن، باشد که سپاسگزاری کنند<sup>۴</sup>؛ همچنین جناب لوط که پس از تلاش فرهنگی فراوان نتوانست مردم را از هلاکت برهاند برای نجات خانواده باایمان خود چنین دعا کرد:

پروردگارا! من و خانواده‌ام را که تنها گروندگان به من‌اند از وزر و وبال آنچه این مردم انجام می‌دهند، رهایی بخش.<sup>۵</sup>

۱. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...﴾ (سوره روم، آیه ۲۱)؛ نیز: ﴿وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...﴾ (سوره اعراف، آیه ۱۸۹).

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...﴾ (سوره تحریم، آیه ۶).

۳. آیات مربوط به ازدواج، طلاق، نفقه، ارث و ...

۴. ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ نَبِيِّكَ الْمَحْرَمِ رَبَّنَا لِتُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ (سوره ابراهیم، آیه ۳۷).

۵. ﴿رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ﴾ (سوره شعراء، آیه ۱۶۹).

حضرت یعقوب رضی الله عنه برای تأمین نیاز خانواده خود، فرزندانش را به دربار حاکم مصر فرستاد تا با دریافت گندم مورد نیاز، قحط‌سالی را سپری سازند و حتی در دومین بار برای دریافت گندم، فرزند محبوب خود بنیامین را نیز همراه برادران وی گسیل داشت.<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر معروفی صدقه به شمار می‌آید و هر آنچه را که مؤمن برای خود و خانواده و همسرش هزینه کند و نیز هر آنچه با آن آبروی خود را حفظ کند برایش صدقه نوشته می‌شود<sup>۲</sup> و فرمود: بهترین شما کسانی هستند که برای خانواده خود بهترین باشند و من برای خانواده خودم بهترین شما هستم<sup>۳</sup> و نیز فرمود: کسی که به بازار رود و تحفه‌ای بخرد و آن را برای خانواده خویش ببرد مانند کسی است که صدقه‌ای را به سوی نیازمندان می‌برد.<sup>۴</sup>

امام رضا رضی الله عنه فرمود: هر کس روزی را از راه حلالش بجوید و برای خود و خانواده‌اش هزینه کند همانند مجاهد در راه خداست.<sup>۵</sup> آن امام رضی الله عنه در ادامه این حدیث فرمود: اگر مردی دچار تنگدستی شد، به ضمانت خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله به میزان غذای مورد نیاز خانواده‌اش وام بگیرد و اگر پیش از بازپرداخت وام خود وفات یافت، بر عهده پیشوای مسلمانان است که وام وی را بپردازد.<sup>۶</sup>

۱. سوره یوسف، آیات ۵۸ - ۶۸.

۲. كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ مَا أَنْفَقَ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفَقَةٍ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ وَ أَهْلِهِ كُتِبَ لَهُ بِهَا صَدَقَةٌ وَ مَا وَفَى بِهِ عَرْضَهُ كُتِبَ لَهُ صَدَقَةٌ (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۳۹).

۳. خَيْرِكُمْ، خَيْرِكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرِكُمْ لِأَهْلِي (الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۵).

۴. مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تَحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ (الامالی، صدوق، ص ۵۷۷).

۵ و ۶. مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ جِلِّهِ لِيَعُودَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَإِنْ غَلِبَ عَلَيْهِ فَلْيَسْتَدِنْ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ مَا يَقُوتُ بِهِ عِيَالَهُ فَإِنْ مَاتَ وَ لَمْ يَفْضِهِ كَانَ عَلَى الْإِمَامِ قَضَاؤُهُ (الكافي، ج ۵، ص ۹۳).

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه یکی از شما تنگدست شد سفر کند و در پی فضل خدا باشد و خود و خانواده‌اش را ناراحت نکند.<sup>۱</sup>

احسان و نیکی به خانواده باید متناسب با توانایی فرد باشد، از این رو امام رضا علیه السلام فرمود: صاحب نعمت باید برای خانواده خود گشایشی فراهم کند.<sup>۲</sup>

### هم‌غذا شدن با خانواده

مؤمن باید خانواده خود را در همه خوشی‌ها و نعمت‌ها سهیم سازد، حتی در غذا خوردن نیز با آنان باشد. قرآن می‌فرماید: و خدا برخی از شما را در بهره‌وری از روزی، بر برخی دیگر برتری بخشیده است، پس کسانی که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند روزی خود و امکان بهره‌برداری آزادانه از آن را در اختیار بردگان خود قرار دهند تا در آن با هم برابر باشند.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام در تطبیق این آیه فرمود: شایسته نیست کسی غذایی را به خود اختصاص دهد و خانواده‌اش را در آن سهیم نسازد.<sup>۴</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از نشانه‌های تواضع را هم‌غذا شدن مرد با خانواده‌اش می‌داند و می‌فرماید: آیا شما را به پنج چیز آگاه نکنم که اگر در کسی باشد متکبر نیست؟ چوپانی و بستن گوسفند، پوشیدن لباس پشمی، همنشینی با تهیدستان، سوار شدن بر الاغ [کنایه از مرکب ارزان‌قیمت] و هم‌غذا شدن مرد با خانواده‌اش.<sup>۵</sup>

۱. إِذَا أَعْسَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيَضْرِبْ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغِي مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَلَا يَغْمُ نَفْسَهُ وَعِيَالَهُ (تهذيب الاحکام، ج ۶، ص ۳۲۹). همین حدیث از رسول خدا با اختلافی اندک نقل شده است (عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۱۹۳).

۲. صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَنْ عِيَالِهِ (الكافي، ج ۴، ص ۱۱).

۳. «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَأْدِي رِزْقِهِمْ عَلَيَّ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ...» (سوره نحل، آیه ۷۱).

۴. لَا يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَخْصُ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنَ الْمَأْكُولِ دُونَ عِيَالِهِ (تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۸۷).

۵. أَلَا أُنَبِّئُكُمْ بِخَوْسٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَلَيْسَ بِمُتَكَبِّرٍ: اِعْتِمَالِ الشَّاةِ وَ لَبْسِ الصُّوفِ وَ مُجَالَسَةِ الْفُقَرَاءِ وَ أَنْ يَرْكَبَ الْجِمَارَ وَ أَنْ يَأْكُلَ الرِّجَالِ مَعَ عِيَالِهِ (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵۴-۲۵۵).

## تقدّم خانواده بر دیگران

در فرهنگ اسلامی اولویت و تقدّم خانواده یک اصل به حساب می‌آید و روایات فراوانی بر آن دلالت دارند.

رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه خدا به یکی از شما خیری عطا کرد، ابتدا خود و خانواده‌اش را از آن بهره‌مند سازد<sup>۱</sup>؛ و نیز فرمود: از خانواده آغاز کنید و هر کسی که نزدیک‌تر است مقدم بدارید.<sup>۲</sup>

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: اینکه وارد بازار شوم و پولی داشته باشم که برای خانواده‌ام گوشتی بخرم که بدان نیاز دارند، نزد من از آزادسازی برده‌ای محبوب‌تر است.<sup>۳</sup>

## توجه به خانواده در روز جمعه

گرچه نیکی به خانواده، همواره مطلوب است، روز جمعه برای احسان به خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد تا زمینه توجه به جایگاه روز جمعه و معنویت‌گرایی از این طریق برای خانواده فراهم گردد، از این رو رسول خدا ﷺ فرمود: خانواده خود را روز جمعه از میوه یا گوشتی بهره‌مند سازید تا با آمدن جمعه شادمان شوند.<sup>۴</sup>

۱. قَالَ إِذَا أَعْطَى اللَّهُ أَحَدَكُمْ خَيْرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ (الجامع الصغير، ج ۱، ص ۷۳).

۲. أبدأ بمن تعول الأذنى فالأذنى (الكافي، ج ۵، ص ۶۷).

۳. لَأَنَّ أَدْخَلَ السُّوقَ وَ مَعِيَ دِرَاهِمٌ أَتَّبَعُ بِهِ لِعِيَالِي لِحَمًا وَ قَدْ قَرِمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسَمَةً (الكافي، ج ۴، ص ۱۲).

۴. أَطْرَفُوا أَهْلِيكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ أَوْ اللَّحْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ (الكافي، ج ۶،

## پاداش نیکی به خانواده

رسول خدا ﷺ به امیر مؤمنان علی سَلَامَةُ عَلَيْهِ فرمود: خدمت به خانواده، کفاره گناهان بزرگ، موجب فرونشاندن خشم الهی، مهریه حوریان بهشتی و موجب فزونی حسنات و درجات است. ای علی! به خانواده خدمت نمی‌کند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خدا برایش خیر دنیا و آخرت را خواسته است.<sup>۱</sup>

از رسول خدا ﷺ روایت شده که نزدیک‌ترین شما به جایگاه من در قیامت، نیکوترین شما از جهت اخلاق و سودمندترین شما نسبت به خانواده خویش است.<sup>۲</sup>

نیکی به خانواده افزون بر پاداش اخروی در دنیا نیز آثار خوبی دارد. رسول خدا ﷺ فرمود: هنگام ورود به خانه، سلام کن، خدا برکت را افزون می‌کند.<sup>۳</sup>

امام سجاد سَلَامَةُ عَلَيْهِ درباره اهمیت نیکی به خانواده فرمود: پسندیده‌ترین شما نزد خدا بهره دهنده‌ترین شما بر خانواده است.<sup>۴</sup> امام صادق سَلَامَةُ عَلَيْهِ نیز فرمود: هر کس نسبت به خانواده‌اش نیکوکار باشد خدا بر عمرش می‌افزاید<sup>۵</sup>؛ امام کاظم سَلَامَةُ عَلَيْهِ فرمود: هر کس با برادران و خانواده‌اش نیکوکار باشد عمرش طولانی می‌شود.<sup>۶</sup>

۱. ... يَا عَلِيُّ! خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ وَ يُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ مَهْوَرُ حُورِ الْعِیْنِ وَ یَزِيدُ فِی الْحَسَنَاتِ وَ الدَّرَجَاتِ. يَا عَلِيُّ! لَا یَخْدُمُ الْعِيَالِ إِلَّا صَدِیقٌ أَوْ شَهِیدٌ أَوْ رَجُلٌ یُرِیدُ اللّٰهَ بِهٖ خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ (جامع الاخبار، ص ۱۰۳).

۲. أَقْرَبِكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَیْرُكُمْ لِأَهْلِهِ (عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۲، ص ۳۸).

۳. ... وَ سَلَّمَ فِی بَیْتِكَ، یَزِیدُ اللّٰهَ فِی بَرَکَتِكَ (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۶).

۴. إِنَّ أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَی عِبَالِهِ (الکافی، ج ۸، ص ۶۹).

۵. وَ مَنْ حَسَنَ بَرَّهُ بِأَهْلِهِ زَادَ اللّٰهُ فِی عَمْرِهِ (الکافی، ج ۸، ص ۲۱۹).

۶. مَنْ حَسَنَ بَرَّهُ بِإِخْوَانِهِ وَ أَهْلِهِ مَدَّ فِی عَمْرِهِ (تحف العقول، ص ۳۸۸).

## پاداش اندوه برای خانواده

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: روزی بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شدم و فرمود: ای علی! چگونه صبح کرده‌ای؟ گفتم: در حالی که در دستانم چیزی جز آب نیست و من برای حسن و حسین ناراحتم. فرمود: ای علی! اندوه برای خانواده حجابی در برابر آتش جهنم است.<sup>۱</sup>

## کیفر تباه کردن خانواده

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: از رحمت خدا دور است، از رحمت خدا دور است کسی که خانواده خود را تباه کند<sup>۲</sup>؛ همچنین آن حضرت از اینکه کسی خودش سیر باشد و خانواده‌اش را گرسنه نگه دارد، نهی کرد و فرمود: برای هلاکت یک مرد همین بس که خانواده خود را تباه کند.<sup>۳</sup>

## کیفر بد اخلاقی با خانواده

هنگامی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مردم [از خاکسپاری سعد بن معاذ] بازگشتند پرسیدند: ای رسول خدا! با سعد کاری کردی که با هیچ کس دیگر نکرده‌ای؛ جنازه‌اش را بدون ردا و کفش مشایعت کردی؟ فرمود: فرشتگان بدون کفش و ردا در تشییع او حاضر شدند و من به آنان تأسی جستیم. گفتند: یک بار سمت راست

۱. دَخَلْتُ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ، فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا عَلِيُّ! فَقُلْتُ: أَصْبَحْتُ وَ لَيْسَ فِي يَدِي شَيْءٌ غَيْرَ الْمَاءِ وَ أَنَا مُعْتَمِدٌ لِحَالِ فَرْخِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام، فَقَالَ لِي: يَا عَلِيُّ! عَمَّ الْعِيَالِ سَتَرٌ مِنَ النَّارِ (جامع الاخبار، ص ۹۱).

۲. مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعُولُ (الكافي، ج ۴، ص ۱۲).

۳. أَنَّهُ نَهَى أَنْ يُشَبَّعَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ وَ يَجِيعَ أَهْلُهُ وَ قَالَ: كَفَى بِالْمَرْءِ هَلَاكًا أَنْ يُضَيَّعَ مَنْ يَعُولُ (دعائم

تابوت و بار دیگر سمت چپ آن را گرفتی! فرمود: دستم در دست جبرئیل بود و هر جا را که او می‌گرفت می‌گرفتم. گفتند: به غسل او فرمان دادی و خودت بر جنازه‌اش نماز گزاردی و خودت به خاکش سپردی؛ آن‌گاه فرمودی همانا عذاب قبری بر سعد اصابت کرد؟ فرمود: آری، رفتار او [سعد] با خانواده‌اش تند بود.<sup>۱</sup>

در مذمت سختگیری بر خانواده از رسول خدا ﷺ روایت شده است که

فرمود: بدترین مردم مردِ سختگیر بر خانواده است.<sup>۲</sup> شخصی پرسید: ای رسول خدا! مراد از سختگیری بر خانواده چیست؟ فرمود: مرد هرگاه وارد خانه شد همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگریزد و هرگاه از خانه بیرون رفت همسرش بخندد.<sup>۳</sup>

## فرزندان

فرزندان امانت الهی و نعمت و نشانه‌های خدا هستند<sup>۴</sup> و والدین درباره

۱. ... رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ رَجَعَ النَّاسُ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! لَقَدْ رَأَيْتَكَ صَنَعْتَ عَلَيَّ سَعْدٌ مَا لَمْ تَصْنَعْهُ عَلَيَّ أَحَدٍ، إِنَّكَ تَبِعْتَ جِنَازَتَهُ بِلا رِداءٍ وَ لا حِذاءٍ، فَقَالَ ﷺ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ بِلا حِذاءٍ وَ لا رِداءٍ فَتَأَسَّيْتُ بِهِمْ، قَالُوا: وَ كُنْتُ تَأْخُذُ بِمَنَةِ السَّرِيرِ مَرَّةً وَ سِرَّةِ السَّرِيرِ مَرَّةً، قَالَ: كَانَتْ بِيَدِي فِي يَدِ جَبْرئِيلَ، أَخَذُ حَيْثُ مَا أَخَذَ. فَقَالُوا: أَمَرْتَ بِغُسْلِهِ وَ صَلَّى عَلَيَّ جِنَازَتَهُ وَ لِحَدَّثَتُهُ، ثُمَّ قُلْتَ: إِنَّ سَعْدًا قَدْ أَصَابَتْهُ ضَمَّةٌ؟ قَالَ: فَقَالَ ﷺ: نَعَمْ إِنَّهُ كَانَ فِي خَلْقِهِ مَعَ أَهْلِهِ سُوءٌ (علل الشرائع، ص ۳۱۰).

۲. شَرُّ النَّاسِ الْمُضَيِّقُ عَلَيَّ أَهْلِيهِ (الجامع الصغير، ج ۲، ص ۷۷).

۳. ... قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ كَيْفَ يَكُونُ ضَيْقًا عَلَيَّ أَهْلِيهِ؟ قَالَ: الرَّجُلُ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ خَشَعَتْ أُمَّرَاتُهُ وَ هَرَبَ وَ لَدَهُ وَ فَرَّقَا إِذَا خَرَجَ ضَحَكَتْ أُمَّرَاتُهُ (مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۲۵).

۴. ﴿وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً﴾ (سورة نحل، آیه ۷۲)، ﴿أَمَدُّكُمْ بِأَنعَمٍ وَ بَنِينَ﴾ (سورة شعراء، آیه

سلامت، رشد، تعلیم و تربیت آنان مسئولانند<sup>۱</sup> و در برابر تربیت خوب پاداش<sup>۲</sup> و در برابر تربیت بد آنان کیفر خواهند دید.<sup>۳</sup>

روایات اهل بیت علیهم السلام برای فرزند، حقوقی را بر عهده والدین دانسته که عبارت‌اند از: ۱. انتخاب نام نیکو برای او؛ ۲. سرزنده و گرمی داشتن مادر او؛ ۳. توجه به انتسابش به والدین؛ ۴. بهداشت (نظافت و ختنه) او؛ ۵. تغذیه مناسب وی؛ ۶. تعلیم و تربیت او؛ ۷. مهرورزی به وی؛ ۸. اکرام او؛ ۹. یاری کردنش بر کار نیک.

رسول گرمی صلی الله علیه و آله فرمود: حق فرزند بر پدر این است که مادرش را سرزنده و گرمی بدارد و نام نیکو بر وی نهد و اگر پسر باشد قرآن به وی بیاموزد و او را پاک (ختنه) کند و شنا کردن به وی آموزد و اگر دختر باشد سوره نور را به وی آموزش دهد، سوره یوسف را به وی بیاموزد و او را در غرفه‌ها (بالاخانه‌ها) ساکن نکند [کنایه از اینکه محیط تحصیل و کار و زندگی او در معرض دید و ارتباط نامحرم‌ان نباشد] و در ازدواج او شتاب کند.<sup>۴</sup>

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: حق فرزندان این است که بدانی از توست و در این دنیا خوب و بدش به تو وابسته است.<sup>۵</sup>

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (سوره تحریم، آیه ۶)، «لَا تَضَارُّ وَالِدَةَ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودًا لَهُ بِوَلَدِهِ» (سوره بقره، آیه ۲۳۳).

۲. «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (سوره مریم، آیه ۵۵).

۳. «إِنَّ الْخَيْرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (سوره شوری، آیه ۴۵).

۴. ... حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفِرَّهُ أُمَّهُ وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَيُعَلِّمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَيُطَهِّرَهُ وَيُعَلِّمَهُ السَّبَاحَةَ وَإِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفِرَّهُ أُمُّهَا وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَيُعَلِّمَهَا سُورَةَ النُّورِ وَلَا يُعَلِّمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ وَلَا يَنْزِلُهَا الْغُرْفَ وَيَعْجَلُ سَرَاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا... (الكافی، ج ۶، ص ۴۹).

۵. «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ» (الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۲).



در این مبحث به رعایت حقوق برادران دینی<sup>۱</sup>، تعامل با مؤمنان، گنهکاران و متظاهران به اسلام می‌پردازیم:

### حقوق برادران دینی

در جامعه اسلامی جایگاه ارزشی افراد نزد خدا بر اساس لیاقت‌های دینی و ایمانی آنان است و این یک اصل قرآنی است که می‌فرماید: پس آیا کسانی که مؤمن‌اند همچون کسانی‌اند که فاسق و سرکش‌اند؟ نه، اینان برابر نیستند.<sup>۲</sup> در آیه دیگر می‌فرماید: جز این نیست که [همه مؤمنان] با یکدیگر برادرند.<sup>۳</sup> و در آیه سوم فرمود: مردان و زنان باایمان نسبت به یکدیگر ولایت متقابل دارند.<sup>۴</sup>

گفتنی است که ایمان همه مسلمانان در یک سطح نیست، بلکه مراتبی گوناگون دارد، از این رو امیرمؤمنان سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در پاسخ مردی که گفت: ای امیرمؤمنان! مرا از برادران باخبر ساز، فرمود: برادران دو دسته‌اند: برادران مورد اعتماد و برادران غیر قابل اعتماد؛ اما برادران مورد اعتماد همانند دست و بال و

۱. مراد مؤمنانی هستند که رابطه دوستی و صداقت با آنان برقرار شده است.

۲. ﴿إِذْ مَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كُنَّ كَانًا فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾ (سوره سجد، آیه ۱۸).

۳. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (سوره حجرات، آیه ۱۰).

۴. ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ (سوره توبه، آیه ۷۱).

خانواده و دارایی آدمی اند... و این گونه از برادران همچون کبریت احمر<sup>۱</sup> کمیاب اند؛ اما برادران غیر قابل اعتماد، همین که از آنان بهره مند می شوی پیوندد را از آنان مگسل و بیش از این، از درون آنان مخواه، همین که آنان با تو خوشرویی و شیرین زبانی می کنند، تو هم در برابر آنان خوشرو و شیرین زبان باش<sup>۲</sup>، بر این اساس احترام و رعایت حقوق هر مسلمانی بر دیگر مسلمانان لازم است.

رسول خدا ﷺ فرمود: اسلام آن است که قلبت را [به حق] واگذاری و مسلمانان از دست و زبانت در امان باشند<sup>۳</sup> و همچنین فرمود: از ما نیست کسی که به مسلمانی خیانت کند یا به او زیان برساند یا با او مکر کند.<sup>۴</sup> و نیز فرمود: هر کس بخوابد در حالی که بدخواه برادر مسلمانش باشد، خواب و بیداری او مورد خشم خداست، تا توبه نکند.<sup>۵</sup>

امام صادق سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نیز فرمود: هر کس در رفتارش با مردم به آنان ستم نکند و در گفتارش به آنها دروغ نگوید و در وعده هایش تخلف نکند از کسانی است که

۱. کبریت احمر به معنای گوگرد سرخ است و در این جا کنایه از کالای گران بها و کمیاب است.

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَامَ رَجُلٌ بِالْبَصْرَةِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَخْبِرْنَا عَنِ الْإِخْوَانِ، فَقَالَ: الْإِخْوَانُ صِنْفَانِ: إِخْوَانُ الثِّقَةِ وَ إِخْوَانُ الْمَكَاشِرَةِ؛ فَأَمَّا إِخْوَانُ الثِّقَةِ فَهُمْ الْكَفُّ وَ الْجِنَاحُ وَ الْأَهْلُ وَ الْمَالُ، فَإِذَا كُنْتَ مِنْ أَخِيكَ عَلَى حَدِّ الثِّقَةِ فَأَبْدِلْ لَهُ... وَ اعْلَمْ أَيُّهَا السَّائِلُ أَنَّهُمْ أَقَلُّ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْأَحْمَرِ وَ أَمَّا إِخْوَانُ الْمَكَاشِرَةِ فَإِنَّكَ تُصِيبُ لَدُنْكَ مِنْهُمْ فَلَا تَقْطَعَنَّ ذَلِكَ مِنْهُمْ وَ لَا تَطْلُبَنَّ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ مِنْ ضَمِيرِهِمْ وَ أَبْدِلْ لَهُمْ مَا بَدَلُوا لَكَ مِنْ طَلَاقَةِ الْوَجْهِ وَ حَلَاوَةِ اللِّسَانِ (الكافي، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۴۹).

۳. الْإِسْلَامُ أَنْ تَسْلَمَ قَلْبَكَ وَ تَسْلَمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِكَ وَ يَدِكَ (کنز العمال، ج ۱، ص ۲۶).

۴. لَيْسَ مِنْهُ مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَأْكْرَهُ (تحف العقول، ص ۴۲).

۵. مَنْ بَاتَ وَ فِي قَلْبِهِ غِشٌّ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَاتَ فِي سَخَطِ اللَّهِ وَ أَصْبَحَ كَذَلِكَ حَتَّى يَتُوبَ (الفقیه،

غیبت او حرام و مروت او کامل و عدالتش ظاهر و برادری با وی لازم است.<sup>۱</sup>  
و نیز فرمود: مسلمان برادر مسلمان است؛ به او ستم نکند، او را گول نزند و او را وانهد و از او غیبت نکند و به وی خیانت نرزد و او را محروم نکند.<sup>۲</sup>

## ۱. تعامل با مؤمنان

### لزوم اجتماع مؤمنان

محور ایمان مؤمنان، خدا، پیامبر ﷺ، و اهل بیت ﺳﻼﻟﻪﻋﻠﻴﻬﻢﺍﻭﺍﻟﻪﻳﻮﻟﻤﺎﺳﻞ اند و بر آنان لازم است در این محور، با یکدیگر در همه امور، اجتماع و هماهنگی داشته باشند و از تفرقه و جدایی بپرهیزند تا به اهداف ایمانی خود دست یابند، از همین رو خدا در قرآن فرمود: همگی به ریسمان الهی (قرآن و پیامبر) که شما را به خدا پیوند می‌دهند چنگ زنید و از اختلاف و پراکندگی بپرهیزید.<sup>۳</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود: ای مردم! به اجتماع رو آورید و از جدایی بپرهیزید.<sup>۴</sup>  
از امیر مؤمنان ﺳﻼﻣﻪﺍﻟﻪﺍﻟﻴﻮﻟﻤﺎﺳﻞ دربارهٔ جماعت و تفرقه پرسیدند. فرمود: به خدا سوگند مراد از اجتماع، پیوستگی و اجتماع پیروان حق است اگر چه اندک باشند و مراد از تفرقه، اجتماع اهل باطل است، گرچه پرشمار باشند.<sup>۵</sup>

۱. مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمْهُمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ كَانَ مِنْ حُرْمَتِ غَيْبَتِهِ وَ كَمَلَتْ مَرْوَتُهُ وَ ظَهَرَ عَدْلُهُ وَ وَجِبَتْ أُخُوَّتُهُ (الكافي، ج ۲، ص ۲۳۹).

۲. الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَعْشُهُ وَ لَا يَخْلُدُهُ وَ لَا يَغْتَابُهُ وَ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَحْرِمُهُ (الكافي، ج ۲، ص ۱۶۷).

۳. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳).

۴. أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ (کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶).

۵. ... یسئل الإمام علی ﺳﻼﻣﻪﺍﻟﻴﻮﻟﻤﺎﺳﻞ عن السُّنَّةِ وَ الْبِدْعَةِ وَ عَنِ الْجَمَاعَةِ وَ الْفُرْقَةِ؟ فقال: ... وَ الْجَمَاعَةُ وَ اللَّهِ مُجَامَعَةُ أَهْلِ الْحَقِّ وَ إِنْ قَلُّوا وَ الْفُرْقَةُ مُجَامَعَةُ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ إِنْ كَثُرُوا (کنز العمال، ج ۱، ص ۲۷۸).

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمود: بر برادران مؤمن خود بیفزایید، زیرا هر مؤمنی یک دعای مستجاب دارد و فرمود: برادران مؤمن خویش را افزایش دهید، زیرا برای هر مؤمنی شفاعتی است و فرمود: برادری مؤمنان را افزایش دهید، چرا که نزد خدا برای ایشان حقی است که در روز قیامت با آن، پاداش آنان را می‌دهد.<sup>۱</sup>

## برکات اجتماع مؤمنان

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: اگر یکی از برادران [ایمانی] بر مشکلات یارانش صبر پیشه کند و از آن‌ها جدا نگردد و گرسنگی و اندوهشان را تحمل کند، برای او پاداشی همانند پاداش هفتاد نفر از کسانی خواهد بود که در جنگ تبوک با من بوده‌اند.<sup>۲</sup>

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: گرد هم آید و با هم گفت‌وگو کنید که فرشتگان شما را احاطه می‌کنند. خدا رحمت کند هر کسی را که امر ما را زنده می‌کند.<sup>۳</sup>

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: اجتماعی از سه نفر از مؤمنان یا بیشتر شکل نگرفته، مگر اینکه فرشتگانی همانندشان حضور می‌یابند که اگر آن جمع دعای خیری کنند، آمین می‌گویند و اگر آنان، از شرّی به خدا پناه برند، از خدا می‌خواهند که این بدی را از آن‌ها دور کند و اگر آن گروه، حاجتی بخواهند، نزد خدا شفاعت می‌کند تا حاجت آنان را برآورد.<sup>۴</sup>

۱. اسْتَكْتَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ، فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً وَقَالَ اسْتَكْتَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ شَفَاعَةً وَقَالَ أَكْثَرُوا مِنْ مُوَآخَاةِ الْمُؤْمِنِينَ. فَإِنَّ لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ يَدًا يَكْفِيهِمْ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (مصافحة الاخوان، ص ۴۶).

۲. لَوْ أَنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ يَصْبِرُ مَعَ أَصْحَابِهِ لَا يَقْطَعُهُمْ وَيَصْبِرُ فِي مِثْلِ جُوعِهِمْ وَمِثْلِ غَمِّهِمْ إِلَّا كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ سَبْعِينَ مِمَّنْ غَزَا مَعِيَ غَزْوَةَ تَبُوكَ... (المتحصنين، ص ۲۴).

۳. اجْتَمَعُوا وَتَذَكَّرُوا، تَحَفَّ بِكُمْ الْمَلَائِكَةُ. رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا (وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۲۲).

۴. مَا اجْتَمَعَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَصَاعِدًا إِلَّا حَضَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مِثْلُهُمْ. فَإِنَّ دَعْوًا بِخَيْرٍ أَمَّنُوا وَإِنْ اسْتَعَاذُوا مِنْ شَرٍّ دَعْوًا لِلَّهِ لِيَصْرِفَهُ عَنْهُمْ وَإِنْ سَأَلُوا حَاجَةً تَشَعُّوا إِلَى اللَّهِ وَسَأَلُوهُ فُضَاءَهَا... (الكافي، ج ۲، ص ۱۸۷).

## نیکی به مؤمنان و اقسام آن

بر مبنای آیات و روایات لازم است مؤمنان به یکدیگر نیکی کنند و این نیکی، سه محور عمده دارد: «حمایت مادی»، «حمایت معنوی» و «حمایت عاطفی» که به خوبی قابل آرایه‌اند.

### ۱. حمایت مادی

#### پاداش تأمین نیازمندی‌ها

ابن عباس گوید: با [امام] حسن بن علی سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا در مسجد حرام بودم و او در حالی که معتکف بود و طواف [مستحب] کعبه می‌کرد، مردی از شیعیان به او گفت: ای پسر پیامبر! به فلانی بدهکارم، آیا قرض مرا می‌پردازی؟ آن امام سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: به خدای این کعبه سوگند، امروز چیزی نزد من نیست. آن مرد گفت: اگر صلاح می‌دانی از او برای من مهلت بگیر زیرا او مرا به زندان تهدید کرده است. ابن عباس می‌گوید: امام حسن سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ طواف خود را رها کرد و با آن مرد برای تأمین نیازش حرکت کرد. گفتم: ای پسر رسول خدا! مگر در حال اعتکاف نیستی؟ فرمود: چرا، ولی از پدرم شنیدم که به نقل از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمود: هر کس نیاز برادر مؤمن خود را برآورد، همانند کسی است که نه هزار سال با روزه‌داری روزه‌ها و نماز شب‌هایش خدا را عبادت کرده است.<sup>۱</sup>

۱. كُنْتُ مَعَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَهُوَ مُعْتَكِفٌ وَهُوَ يَطُوفُ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فَعَرَضَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِهِ، فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِنَّ عَلِيَّ دَيْنًا لِفُلَانٍ فَبِأَنْ رَأَيْتَ أَنْ تَقْضِيَهُ عَنِّي، فَقَالَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: وَرَبُّ هَذَا الْبَيْتِ مَا أَصْبَحَ وَعِنْدِي شَيْءٌ، فَقَالَ: إِنَّ رَأَيْتَ أَنْ تَسْتَمِيلَهُ عَنِّي فَقَدْ تَهَدَّدَنِي بِالْحَبْسِ، فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَقَطَعَ الْإِمَامُ الطَّوَافَ وَسَعَى مَعَهُ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَلَسْتَ مُعْتَكِفًا؟ فَقَالَ: بَلَى وَ لَكِنِّي سَمِعْتُ أَبِي عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ قَضَى أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ تَعَالَى تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ صَائِمًا نَهَارًا وَ فَاتِمًا لَيْلَةً أَحَدَةَ الدَّاعِي، ص ۲۲۵ - ۲۲۶.

امام باقر علیه السلام می فرماید: انجام دادن یک حج نزد من خوشایندتر از آن است که یک برده یا حتی ده برده یا حتی هفتاد برده را آزاد سازم؛ ولی اگر سرپرستی خانواده‌ای مسلمان را بر عهده بگیرم و گرسنگی آنان را برطرف کنم و برهنگی آنان را بپوشانم و مانع گدایی آنها شوم این کار برای من از این که یک یا دو حج یا حتی هفتاد حج بگذارم خوشایندتر است.<sup>۱</sup>

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس یکی از نیازهای دنیوی نابینایی را برآورد و برای تأمین آن، گام بردارد تا خدا نیاز او را برآورد، خدا برائت از نفاق و رهایی از آتش را به وی عطا فرماید و هفتاد حاجت دنیوی او را برآورده سازد و پیوسته در رحمت الهی است تا بازگردد.<sup>۲</sup>

### اهمیت اطعام مؤمن

اطعام، از موارد مهم نیکی به دیگران است که در آیات قرآنی بر آن بسیار تأکید شده است و در وصف ابرار چنین آمده است:

آنان که غذای خود را با آنکه بدان نیاز دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند و [می‌گویند:] ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و از شما پاداش و سپاسگزاری نمی‌خواهیم.<sup>۳</sup>

۱. لَأَنْ أَحَجَّ حِجَّةً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً حَتَّى أَنْتَهِيَ إِلَى عَشْرَةٍ وَ مِثْلَهَا وَ مِثْلَهَا حَتَّى أَنْتَهِيَ إِلَى سَبْعِينَ وَ لَأَنْ أَعُولَ أَهْلَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ أَشْبِعَ جُوعَتَهُمْ وَ أَكْسُو عَوْرَتَهُمْ وَ أَكْفُ وَجُوهُهُمْ عَنِ النَّاسِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَحُجَّ حِجَّةً وَ حِجَّةً وَ حِجَّةً حَتَّى أَنْتَهِيَ إِلَى عَشْرَةٍ وَ مِثْلَهَا وَ مِثْلَهَا حَتَّى أَنْتَهِيَ إِلَى سَبْعِينَ (ثواب الأعمال، ص ۱۴۱).

۲. مَنْ كَفَى ضَرِيحًا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ مَشَى لَهَا فِيهَا حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ لَهُ حَاجَتَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّفَاقِ وَ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ قَضَى لَهُ سَبْعِينَ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ لَا يَزَالُ يَخْضُصُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ عِزًّا وَ جَلًّا حَتَّى يَرْجِعَ (الامالی، صدوق، ص ۲۳).

۳. وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ یتِيمًا وَ أَسْرًا \* إِنْهَا لَطَعْمُكُمْ لِيُوجِبَ اللَّهُ لَكُمْ جَزَاءً وَ لَا تُشْكُرُوهُ (سورة انسان، آیات ۸ - ۹).

امام صادق سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ از اجدادش، از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرد: بهترین شما کسی است که اطعام کند و سلام را آشکار کند و در حالی که مردمان در خواباند نماز بگذارد.<sup>۱</sup>

**پاداش اطعام مؤمن:** پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمود: از موجبات مغفرت پروردگار، اطعام است.<sup>۲</sup>

امام صادق سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فرمود: هرکس با اطعام خود مؤمنی را سیر کند، احدی جز خدا پاداش اخروی او را نمی داند! نه فرشته مقرب الهی و نه پیامبر مرسل.<sup>۳</sup> همچنین فرمود: هرکس مؤمن توانگری را غذا دهد پاداش او مانند آن است که برده‌ای از نسل اسماعیل را از قربانی شدن برهاند و هر کس مؤمن نیازمندی را طعام دهد برایش پاداشی برابر با آن است که صد برده از نسل اسماعیل را از قربانی شدن برهاند.<sup>۴</sup>

**کیفر ترک اطعام مؤمن:** امام سجاده سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فرمود: هرکس با شکم سیر بخواد در حالیکه در نزدیکی او مؤمنی گرسنه باشد خدا می فرماید: ای فرشتگانم! شما را بر این بنده گواه می گیرم که به وی فرمان دادم ولی نافرمانی کرد و از دیگری فرمان برد، او را به عملش وانهادم. به عزت و جلالم سوگند هرگز او را نمی بخشم.<sup>۵</sup>

۱. خَيْرُكُمْ مَنْ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَقْسَى السَّلَامَ وَ صَلَّى وَ النَّاسُ نِيَامٌ (الكافي، ج ۴، ص ۵۰).

۲. مِنْ مُوجِبَاتِ مَغْفِرَةِ الرَّبِّ إِطْعَامُ الطَّعَامِ (الكافي، ج ۴، ص ۵۲).

۳. مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا حَتَّى يُشْبِعَهُ لَمْ يَدِرْ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْآخِرَةِ؛ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (الكافي، ج ۲، ص ۲۰۱).

۴. مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مُوسِرًا كَانَ لَهُ يَعْدِلُ (نسخه بدل: يَعْدِلُ) رَقَبَةٌ مِنْ وَ لَدِ إِسْمَاعِيلَ يُنْقَلُهُ مِنَ الذَّبْحِ وَ مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مُحْتَاجًا كَانَ لَهُ يَعْدِلُ (نسخه بدل: يَعْدِلُ) مِائَةَ رَقَبَةٍ مِنْ وَ لَدِ إِسْمَاعِيلَ يُنْقَلُهَا مِنَ الذَّبْحِ (الكافي، ج ۲، ص ۲۰۳).

۵. مِنْ بَاتِ شَبَعَانَ وَ بَحْضَرَتِهِ مُؤْمِنٌ جَائِعٌ طَاوَى قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: مَلَائِكَتِي أَشْهَدُكُمْ عَلَى هَذَا الْعَبْدِ أَنْبِيَّ أَمْرَتُهُ فَعَصَانِي وَ أَطَاعَ غَيْرِي وَ كَلَّمْتُهُ إِلَى عَمَلِهِ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لَا غَفَرْتُ لَهُ أَبَدًا (آداب الاعمال، ص ۲۵۰).





نکته: اطعام مؤمنان و یاری رساندن به آنان نباید مایه خواری و ذلت آنان شود؛ چنانکه در آداب سفر گذشت<sup>۱</sup> که حسین بن ابی‌علاء در سفر گروهی به مکه، با قصد خدمت به همسفران خود، در هر منزلی که توقف می‌کردند برایشان گوسفندی می‌کشت؛ ولی با اعتراض امام صادق سَلَّمَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روبه‌رو شد و آن حضرت فرمود: تو با این کار، مؤمنان را خوار کردی! چون برخی از آنان هم دوست داشتند کار تو را انجام دهند ولی توان مالی نداشتند و این، موجب شد که آنان نزد خود احساس خودکم‌بینی کنند.<sup>۲</sup>

سیراب کردن مؤمن

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرکس مؤمنی را که به آب دسترسی دارد، آبی بنوشاند خدا در برابر هر جرعه آب، هفتاد هزار نیکی به او عطا فرماید و اگر به مؤمنی که به آب دسترسی ندارد آبی بنوشاند گویا ده برده از نسل اسماعیل سَلَّمَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آزاد کرده است.<sup>۳</sup>

امام سجّاد سَلَّمَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرکس به مؤمن تشنه‌ای آبی بنوشاند خدا به وی در بهشت از نوشیدنی رحیق مختوم می‌نوشاند.<sup>۴</sup>

۱ . رک: بخش یکم، فصل دهم، آداب سفر، ص ۱۸۴.

۲ . ... فَقَالَ: بَلِّغْنِي أَنْكَ كُنْتَ تَدْبِحُ لَهُمْ فِي كُلِّ مَنْزِلٍ شَاءَ؟ فَقُلْتُ: مَا أَرَدْتُ بِذَلِكَ إِلَّا اللَّهَ. قَالَ: أَمَا كُنْتَ تَرَى أَنَّ مِنْهُمْ مَنْ يُحِبُّ أَنْ يَفْعَلَ فِعَالِكَ فَلَا تَبْلُغُ مُقَدَّرَتَهُمْ ذَلِكَ فَتَقَاصِرُ إِلَيْهِ نَفْسُهُ؟ ... (کتاب السرائر، ج ۳، ص ۶۴۳-۶۴۴).

۳ . مَنْ سَقَى مُؤْمِنًا شَرِبَهُ مِنْ مَاءٍ مِنْ حَيْثُ يَقْدِرُ عَلَى الْمَاءِ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ شَرْبَةٍ سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَإِنْ سَقَاهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْمَاءِ فَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ عَشْرَ رِقَابٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ سَلَّمَ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. (ج ۲، ص ۲۰۱).

۴ . ... وَمَنْ سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ طَمَأٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمُخْتَمِمْ (الكافي، ج ۲، ص ۲۰۱).



رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس فقیر مسلمانی را از برهنگی بپوشاند یا در تهیه بخشی از مواد غذایی مورد نیاز او کمک کند، خدا هفت هزار فرشته بر او می‌گمارد تا برای هر یک از گناهانش تا روز قیامت طلب مغفرت کنند.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرمود: هرکس مؤمن برهنه‌ای را بپوشاند، خدا جامه‌ای از دیبای بهشتی بر او بپوشاند و هرکس مؤمن توانگری را بپوشاند، مادامی که از آن پوشش پارچه‌ای باقی است، همواره در پناه و پوشش الهی است.<sup>۲</sup>

امام سجّاد علیه السلام درباره کیفر نادیده گرفتن برهنگی مؤمن فرمود: هرکس لباس اضافی دارد و می‌داند مؤمنی که در دسترس اوست به آن نیاز دارد و به وی ندهد، خدا او را به چهره در آتش افکند.<sup>۳</sup>

### پیامد جانا دادن به مؤمن

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس خانه‌ای دارد که مؤمنی به سکونت در آن نیازمند است و صاحبخانه او را محروم کند، خدا به فرشتگان می‌فرماید: ای فرشتگان! بنده من بر بنده دیگرم درباره سکونت دنیا بخل ورزید. به عزتم سوگند، هرگز او در بهشت من جای نخواهد داشت.<sup>۴</sup>

۱. مَنْ كَسَا أَحَدًا مِنْ فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ ثَوْبًا مِنْ عُرْيٍ أَوْ أَعَانَهُ بَشِيًّا مِمَّا يَقُوتهُ مِنْ مَعِيشَتِهِ وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سَبْعَةَ أَلْفٍ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَسْتَغْفِرُونَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عَمِلَهُ إِلَى أَنْ يَنْفَخَ فِي الصُّوْرِ (الكافي، ج. ۳، ص. ۲۰۵).

۲. مَنْ كَسَا مُؤْمِنًا ثَوْبًا مِنْ عُرْيِ كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ إِسْتَبْرَقِ الْجَنَّةِ وَمَنْ كَسَا مُؤْمِنًا ثَوْبًا مِنْ غَنِيِّ لَمْ يَزَلْ فِي سَبْرِ مِنَ اللَّهِ مَا بَقِيَ مِنَ الثَّوْبِ خُرْفَةً (الكافي، ج. ۲، ص. ۲۰۵).

۳. مَنْ كَانَ عِنْدَهُ فَضْلٌ ثَوْبٍ فَعَلِمَ أَنْ يَحْضُرْتَهُ مُؤْمِنًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَلَمْ يَدْفَعْهُ إِلَيْهِ أَكَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي لُبَّارٍ عَلَيَّ مَنَحْرَبِيَّةٍ (نواب الاعمال، ص. ۲۵۰).

۴. مَنْ كَانَ لَهُ دَارٌ وَاحْتِاجُ مُؤْمِنٍ إِلَى أَنْ يَسْكُنَهَا فَمَنْعَهُ إِيَّاهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَلَأْنَاكَ عِبْدِي بَخْلٍ عَلَيَّ عِبْدِي بِسُكْنِي الدُّنْيَا وَعِزَّتِي لَا يَسْكُنُ جَنَّتِي أَبَدًا (نواب الاعمال، ص. ۲۴۱).

## تزویدج مؤمن

امام موسی کاظم علیه السلام به عمه‌اش برای کمک به محمد بن جعفر برای پرداخت مهریه همسرش نوشت: در قیامت برای [قدرت] خدا سایه‌ای است که زیر آن سایه نمی‌آرمد، جز پیامبر یا جانشین پیامبر یا مؤمنی که برده‌ای مؤمن را آزاد کرده یا مؤمنی که بدهکاری مؤمنی را پرداخته، یا مؤمنی که مؤمن مجردی را از بی‌همسری رهانده باشد.<sup>۱</sup>

## خدمت به مؤمن

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: در روزی که سایه‌ای جز سایه الهی نیست، سه دسته از سایه عرش خدا بهره می‌برند: مردی که برادر مسلمان خود را در ازدواج یاری کند یا به وی خدمتی کند یا سرش را پنهان دارد.<sup>۲</sup>

## هدیه دادن به مؤمن

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به یکدیگر هدیه دهید، تا با هم دوست شوید. زیرا هدیه کینه‌ها را از دل می‌زداید<sup>۳</sup>؛ همچنین فرمود: هدیه، دوستی می‌آورد و برادری را شایسته و زینده می‌کند و کینه را می‌زداید. به یکدیگر هدیه دهید تا به هم محبت یابید.<sup>۴</sup>



۱. إِنْ لِلَّهِ ظِلًّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَسْتِظِلُّ تَحْتَهُ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ أَوْ عَبْدٌ أَعْتَقَ عَبْدًا مُؤْمِنًا أَوْ عَبْدٌ قَضَىٰ مَغْرَمَ مُؤْمِنٍ أَوْ مُؤْمِنٌ كَفَّ أَيْمَةَ مُؤْمِنٍ (قرب الاسناد، ص ۱۲۳).

۲. ثَلَاثَةٌ يَسْتِظِلُّونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمٌ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: رَجُلٌ زَوَّجَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ أَوْ أَخْدَمَهُ أَوْ كَتَمَ لَهُ سِرًّا (كتاب الخصال، ص ۶۹).

۳. تَهَادَوْا تَحَابُّوا تَهَادَوْا، فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ (الكافي، ج ۵، ص ۱۴۴).

۴. الْهَدِيَّةُ تَوْرَثُ الْمَوَدَّةَ وَتَجْدُرُ الْأَخُوَّةَ وَتَذْهَبُ الضَّغِينَةَ وَتَهَادَوْا تَحَابُّوا (بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۶۶).

پذیرش هدیه: ابراهیم کرخی گوید: از امام صادق سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ پرسیدم: مردی که باغ بزرگی دارد و هرگاه جشن یا نوروز می‌شود مردم برای جلب توجه او، [به طمع آنکه از باغ او استفاده کنند] برایش هدایایی می‌برند که بر عهده آنان نیست. امام پرسید: آیا آنها نماز می‌گذارند؟ گفتم: آری. فرمود: پس هدیه آنها را بپذیرد و به آنان پاداش دهد، زیرا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: اگر پاچه گوسفندی به من هدیه شود می‌پذیرم<sup>۱</sup> و این از دین به شمار می‌آید؛ ولی اگر کافر یا منافقی برای من بار شتری هدیه آورد نمی‌پذیرم و این هم از دین است، زیرا خدا پذیرش هدیهٔ مشرکان و منافقان و غذای آنان را برایم نمی‌پسندد.<sup>۲</sup>

قرض دادن به مسلمان: امام صادق سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: هیچ مسلمانی به قصد خشنودی خدا به مسلمانی دیگر قرض نمی‌دهد مگر اینکه خدا ثواب صدقه برای او محاسبه می‌کند تا اینکه مالش به او بازگردد.<sup>۳</sup>

### مدارا در تجارت با مؤمن

مسلمانان در خرید و فروش با همکیش خود باید برخوردی حمایتی داشته باشند نه سودجویانه و ظالمانه.

۱. گفتمی است: در دوران رسول خدا، پاچه حیوان حلال گوشت و غذایی که از آن تهیه می‌شد، کالای کم‌ارزشی بود، چنان‌که هم‌اکنون نیز در برخی مناطق عرب‌نشین چنین است.

۲. سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ لَهُ الضَّيْعَةُ الْكَبِيرَةُ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْمَهْرَجَانِ أَوْ النَّيْرُوزِ أَهْدَوْا إِلَيْهِ الشَّيْءَ، لَيْسَ هُوَ عَلَيْهِمْ؛ يَتَقَرَّبُونَ بِذَلِكَ إِلَيْهِ، فَقَالَ: أَلَيْسَ هُمْ مُصَلِّينَ؟ قُلْتُ: بَلَى. قَالَ: فَلْيَقْبَلْ هَدِيَّتَهُمْ وَ لِيَكْفَيْهِمْ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَوْ أَهْدَيْتَ إِلَيَّ كِرَاعًا لَقَبَلْتُ وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ، وَ لَوْ أَنْ كَافِرًا أَوْ مُنَافِقًا أَهْدَى إِلَيَّ وَسَقَا مَا قَبَلْتُ، وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ، أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِي زَيْدُ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُتَنَافِقِينَ وَ طَعَامُهُمْ (الكافي، ج ۵، ص ۱۴۱-۱۴۲).

۳. مَا مِنْ مُسْلِمٍ أَقْرَضَ مُسْلِمًا قَرْضًا يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا أَحْتَسِبُ لَهُ أَجْرَهَا بِحِسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِ (ثواب الاعمال، ص ۱۳۸).

امام صادق علیه السلام فرمود: سود ستاندن مؤمن از مؤمن ریاست، مگر اینکه بیش از صد درهم (کتابه از مبلغ فراوان) بخرد. در این صورت به اندازه خوراک روز خودت از وی سود بگیر، یا اگر به قصد تجارت می‌خرد، از آنها سود بگیر [ولی] با آنان مدارا کن.<sup>۱</sup>

### ب. حمایت معنوی

ارتقای سطح فرهنگی مؤمن: امام صادق علیه السلام در جمع یارانش می‌فرمود: تقوای الهی پیشه کنید و با یکدیگر برادرانی نیکوکار و دوستانی در راه خدا و به هم پیوستگانی مهربان باشید و با یکدیگر دیدار و ملاقات کرده و درباره امر ما گفت‌وگو و آن را زنده کنید.<sup>۲</sup>

نقد خیرخواهانه: امیرمؤمنان علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: در خیرخواهی برادرت بی‌غرض باش؛ چه در کار خوب و چه در کار بد او و در هر حال وی را یاری کن.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: محبوب‌ترین برادرانم نزد من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه کند.<sup>۴</sup>

۱. ریح المؤمن علی المؤمن ربا إلا أن یشتري بأكثر من مائة درهم فاریح علیه قوت یومک أو یشتريه للتجارة فاریحوا علیهم و ارفقوا بهم (الکافی، ج ۵، ص ۱۵۴).  
 ۲. اتقوا الله و کونوا إخوانا برة متحابین فی الله متواصلین متراحمین تراوروا و تلاقوا و تذاکروا أمرنا و أحيوه (مصافقة الاخوان، ص ۳۴).

۳. أمحض أخاک النصيحة، حسنة كانت أو قبيحة و ساعده علی کل حال (تحف العقول، ص ۸۱).

۴. أحب إخواني إلي من أهدى إلي عیوبی (الکافی، ج ۲، ص ۶۳۹). امام صادق علیه السلام از هرگونه عیبی منزّه بود؛ ولی با این بیان ظریف و دقیق وظیفه برادران مؤمن نسبت به یکدیگر را به خوبی بیان فرمود که هم بیان عیب برادر مؤمن لازم است و شیوه بیان نیز باید همانند اهدای یک هدیه باشد و هم شونده نقد باید از روی محبت آن را دریافت کند و نه تنها نرنجد بلکه خشنود شود.

ترک دوستی با دشمنان مؤمن: امیرمؤمنان سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ می فرماید: دشمن دوست خود را دوست مگیر که با دوست خود دشمنی می کنی<sup>۱</sup> و فرمود: دوستان و دشمنانت سه دسته اند؛ اما دوستان عبارت اند از دوستت و دوست دوستت و دشمن دشمنت؛ اما دشمنانت نیز عبارت اند از دشمنت و دشمن دوستت و دوست دشمنت.<sup>۲</sup>

نگهداری راز مؤمن: امیرمؤمنان علی سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: وقتی برادر دینی تو مورد وثوق باشد مال و جانت را به او بذل کن و با دوستانش دوست و با دشمنانش دشمن باش. اسرار و زشتی هایش را بپوشان و خوبی هایش را آشکار کن.<sup>۳</sup>

توجه نکردن به شایعات درباره مؤمن: خدای سبحان درباره شایعه ای که در مورد یکی از همسران پیامبر اکرم سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ رواج دادند، به مؤمنان می فرماید: چرا وقتی آن بهتان را درباره همکیش خود شنیدید، مردان و زنان مؤمن در حق او که از خودشان به شمار می رفت گمان نیک نبردند و نگفتند این بهتانی آشکار است؟<sup>۴</sup>

امیرمؤمنان علی سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: ای مردم! هرکس به دینداری و درستکاری برادرش مطمئن است به گفتارهای دیگران درباره او گوش نسیارد...<sup>۵</sup>؛ همچنین فرمود: کار برادرت را حمل بر صحت کن و هر سخنی که از برادرت می شنوی در

۱ . لَا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقِكَ صَدِيقًا فَتُعَادِيَ صَدِيقَكَ (الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۰).

۲ . أَصْدِقَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ وَ أَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ فَأَصْدِقَاؤُكَ صَدِيقُكَ وَ صَدِيقُكَ صَدِيقُكَ وَ عَدُوُّكَ عَدُوُّكَ وَ أَعْدَاؤُكَ عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّكَ عَدُوُّكَ وَ صَدِيقُكَ صَدِيقُكَ (نهج البلاغه، حکمت ۲۹۵).

۳ . فَإِذَا كُنْتَ مِنْ أَخِيكَ عَلَى حَدِّ الثَّقَةِ فَاذْبَلْ لَهُ مَالَكَ وَ بَدَنَكَ وَ صَافٍ مِنْ صَافَاهُ وَ عَادٍ مِنْ عَادَاهُ وَ أَكْثَمَ سِرِّهِ وَ عَيْبِهِ وَ أَظْهَرَ مِنْهُ الْحَسَنَ (الكافي، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۴۹).

۴ . «وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَ قَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (سوره نور، آیه ۱۲).

۵ . أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ عَرَفَ مِنْ أَخِيهِ وَثِيقَةَ دِينٍ وَ سَدَادَ طَرِيقٍ فَلَا يَسْمَعَنَّ فِيهِ أَقَاوِيلَ الرِّجَالِ (نهج

حالی که برایش توجیه خوبی می‌بای، بد توجیه مکن.<sup>۱</sup>

پرهیز از اتهام به مؤمن: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه مؤمنی برادرش را متهم کند و گمان بد به وی برد، ایمان از دلش زوده شود، چنان‌که نمک در آب حل می‌شود.<sup>۲</sup>

حفظ آبروی مؤمن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مسلمانانی که با زبان اسلام آورده ولی ایمان خالصانه در دلتان جای نگرفته است! مسلمانان را مذمت نکنید و عیب‌هایشان را آشکار نسازید؛ زیرا هرکس عیب‌های مسلمانان را آشکار سازد خدا عیش را آشکار کند...<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: برادر مسلمانان را دوست بدار... پشتیبان او باش، چنان‌که او پشتیبان توست. در غیابش آبروی او را حفظ کن و اگر حاضر است، دیدارش کن و او را بزرگ و گرامی بشمار... و هرگاه گرفتار شد یاریش کن و برایش چاره‌اندیشی کن.<sup>۴</sup>

ابوبصیر گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: مردی از یاران ما از گرفتن زکات شرم دارد و من بدون آنکه نام آن را ببرم به او زکات می‌پردازم. فرمود: به او بپرداز و نامی از زکات نبر و مؤمن را خوار مکن.<sup>۵</sup>

۱. ... ضَعُ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ وَ لَا تَطْلُبَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجْتَ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمَلًا (تحف العقول، ص ۳۶۸).

۲. إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ أَنْمَاتُ الْإِيمَانِ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ (الكافي، ج ۲، ص ۳۶۱).

۳. يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يُخْلِصِ الْإِيمَانَ إِلَى قَلْبِهِ! لَا تَذْمُوا الْمُسْلِمِينَ وَ لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ، فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ... (الكافي، ج ۲، ص ۳۵۴).

۴. أَحَبُّ أَخَاكَ الْمُسْلِمِ ... كُنْ لَهُ ظَهْرًا فَإِنَّهُ لَكَ ظَهْرٌ؛ إِنْ غَابَ فَاحْفَظْهُ فِي غَيْبَتِهِ وَ إِنْ شَهِدَ فُزِّرْهُ وَ أَجَلْهُ وَ أَكْرَمْهُ ... وَ إِنْ ابْتَلَى فَاعْضُدْهُ وَ تَمَحَّلْ لَهُ (مشكاة الانوار، ص ۱۸۱).

۵. عَنْ أَبِي بصِيرٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِنَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ فَأَعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ وَ لَا أَسْمِي لَهُ أَنَّهَا مِنَ الزَّكَاةِ. فَقَالَ: أَعْطِهِ وَ لَا تَسْمُ لَهُ وَ لَا تَدُلِّ الْمُؤْمِنَ

(الكافي، ج ۳، ص ۵۶۴).

پاداش حفظ آبروی مؤمن: پیامبر ﷺ فرمود: هرکس از تعدی به آبروی برادر مسلمانش جلوگیری کند بهشت برای او حتمی است.<sup>۱</sup> امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: اگر از برادر ایمانی، نزد کسی غیبت شود و او یاریش کند خدا او را در دنیا و آخرت یاری می‌کند و اگر او را یاری و از او دفاع نکند در حالی که توانایی دارد، خدا در دنیا و آخرت خوار و حقیرش می‌کند.<sup>۲</sup>

عفو از لغزش مؤمن: رسول گرامی ﷺ فرمود: ... در راه خدا برادران یکدیگر باشید. چنان‌که خدا به شما فرمان داده است؛ از هم نفرت نداشته باشید... و به یکدیگر ستم نکنید و کینه نورزید و به همدیگر پشت نکنید...<sup>۳</sup>

همچنین آن حضرت در دعایی از خدا چنین خواست: خدایا! با کسانی که با امت من مدارا می‌کنند مدارا کن و بر هرکس که بر آنها سخت می‌گیرد سخت بگیر.<sup>۴</sup>

امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: با مردم مدارا کن و عالمان را گرامی بدار و از لغزش‌های برادران درگذر که سرور پیشینیان و آیندگان (پیامبر) ﷺ با سخن خود به تو آموخته و فرموده است: از کسی که بر تو ستم کرده درگذر و به آن که از تو بریده است بی‌بوند و بخشش کن آن که تو را محروم کرده است.<sup>۵</sup>

۱. من رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ (توابع الاعمال، ص ۱۴۵).

۲. ... مِنَ الْغَيْبِ عَلَيْهِ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فَتَصْرَهُ وَأَعَانَهُ نَصْرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ لَمْ يَنْصُرْهُ وَ لَمْ يَدْفَعْ عَنْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ خَذَلَهُ اللَّهُ وَ حَقَرَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (عدة الداعی، ص ۱۹۱).

۳. إِيَّاكُمْ ... وَ كُونُوا إِخْوَانًا فِي اللَّهِ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ لَا تَتَنَافَرُوا ... وَلَا تَتَنَازَعُوا وَلَا تَتَّبَاعَضُوا وَلَا تَتَدَابَرُوا... (توابع الاسماء، ص ۱۵).

۴. اللَّهُمَّ مَنْ رَفَقَ بِأَخِيهِ فَارْفُقْ بِهِ وَ مَنْ شَقَّ عَلَيْهِمْ فَشَقَّ عَلَيْهِ (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۴).

۵. عَلَيْكَ بِمَدَارَاةِ النَّاسِ وَ إِكْرَامِ الْعُلَمَاءِ وَ الصَّفْحِ عَنْ زَلَاتِ الْإِخْوَانِ، فَقَدْ أَدَبَكَ سَيِّدُ الْأَوْلِيَاءِ وَ الْآخِرِينَ بِتَوَلِيهِ ﷺ: اعْفَ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ صِلْ مَنْ قَطَعَكَ وَ اعْطِ مَنْ حَرَمَكَ (بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۶۱).



**آزادسازی مسلمان:** رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس برده مسلمانی [مسلمان گرفتاری] را آزاد کند خدا در برابر هر عضوی از آن [آزاد شده] عضوی از آزاد کننده را از آتش برهاند.<sup>۱</sup>

**دعا برای مؤمن:** خدا در قرآن می‌فرماید: حقیقت این است که هیچ معبودی جز خدا نیست. [تو این را می‌دانی، پس بر طبق دانش خود عمل کن و] برای گناه خویش و برای مردان و زنان باایمان آمرزش بخواه.<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود: اجابت هیچ دعایی سریع‌تر از دعای شخص در غیاب دیگری نیست.<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: سریع‌ترین دعایی که به اجابت می‌رسد، دعای برادر برای برادرش در غیاب او است و چون به دعا پردازد، فرشته‌ای که بر او گمارده شده می‌گوید: آمین، برای تو نیز دو برابر این خواسته باد.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: دعای انسان برای برادرش در غیاب او، موجب روزی فراوان و مانع از امر ناخوشایند است.<sup>۵</sup>

بر پایه سفارش معصومان علیهم السلام سزاوار است دوستان خود را در غیاب آنها دعا کنیم و سزاوار است دعای امام سجاده علیه السلام برای دوستان را بخوانیم.<sup>۶</sup>

**یاری مسلمان:** رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس به فریاد برادر مسلمانش برسد تا او را از غم و اندوه و گرفتاری برهاند خدا برایش ده حسنه می‌نویسد و او

۱ . مَنْ أَعْتَقَ مُسْلِمًا أَعْتَقَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ عَضْوٍ مِنْهُ عَضْوًا مِنَ النَّارِ (الکافی، ج ۶، ص ۱۸۰).

۲ . «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِنَفْسِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ» (سوره محمد علیه السلام، آیه ۱۹).

۳ . لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ إِجَابَةً مِنْ دَعْوَةِ غَائِبٍ لِغَائِبٍ (الکافی، ج ۲، ص ۵۱۰).

۴ . أَسْرَعُ الدَّعَاءِ نَجَاحًا لِإِجَابَةِ دَعَاءِ الْأَخِ لِأَخِيهِ بظَهْرِ الْغَيْبِ وَ إِذَا بَدَأَ بِالدَّعَاءِ لِأَخِيهِ فَيَقُولُ لَهُ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ: آمِينَ وَ لَكَ مِثْلَاهُ (عده الداعی، ص ۱۸۳).

۵ . دَعَاءُ الرَّجُلِ لِأَخِيهِ بظَهْرِ الْغَيْبِ يُدْرِي الرِّزْقَ وَ يَدْفَعُ الْمَكْرُوهَ (عده الداعی، ص ۱۸۳).

۶ . متن این دعا با عنوان «دعا برای همسایگان» آمده که دعای ۲۶ صحیفه سجادیه است.



را ده درجه بالا می‌برد و ثواب آزادسازی ده برده را به وی عطا می‌کند و ده بلا از او دور می‌کند و برای او ده شفاعت در قیامت آماده می‌کند.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ همواره می‌فرمود: یاری مسلمان خیر است و اجر آن از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجد حرام بیشتر است.<sup>۲</sup>

امام زین العابدین سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: هرکس برادرش را در برابر ستمکاری یاری کند خدا او را در عبور از صراط هنگامی که قدم‌ها از آن بلغزند یاری می‌دهد.<sup>۳</sup>

رسول خدا ﷺ درباره پیامد یاری نکردن به مؤمن نیز فرمود: هرکس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد مسلمان نیست و هرکس بشنود مردی فریاد می‌زند: ای مسلمانان! (کمکم کنید) و پاسخش ندهد مسلمان نیست.<sup>۴</sup>

پاداش زیارت مؤمن: امام صادق سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: هر چیز در کنار چیزی آرام می‌گیرد و مؤمن کنار برادر مؤمن خود می‌آساید، چنان‌که پرندۀ نزد همانند خویش می‌آساید.<sup>۵</sup> در سخنی دیگر فرمود: هرکس برادرش را تنها برای خدا و برای به دست آوردن آنچه خدا وعده داده، زیارت کند، خدا هفتاد هزار فرشته را بر او

۱. مَنْ أَعَانَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ حَتَّى يُخْرِجَهُ مِنْ هَمٍّ وَ كُرْبَةٍ وَ وَرْطَةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ أَعْطَاهُ ثَوَابَ عِتْقِ عَشْرٍ نَسَمَاتٍ وَ دَفَعَ عَنْهُ عَشْرَ نَقِمَاتٍ وَ أَعَدَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَشْرَ شَفَاعَاتٍ (تواب الاعمال، ص ۱۴۸).

۲. ... إِنْ مُعَاوَنَةُ الْمُسْلِمِ خَيْرٌ وَ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ اعْتِكَافِهِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۱۷-۲۱۸).

۳. ... وَ مَنْ أَعَانَهُ عَلَى ظَالِمٍ لَهُ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى إِجَارَةِ الصِّرَاطِ عِنْدَ دَخْلِ الْأَقْدَامِ (تواب الاعمال، ص ۱۴۵).

۴. مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَتَادَى: يَا لِلْمُسْلِمِينَ، فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (الكافي، ج ۲، ص ۱۶۴).

۵. لِكُلِّ شَيْءٍ شَيْءٌ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهِ وَ أَنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْتَرِيحُ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ، كَمَا يَسْتَرِيحُ الطَّيْرُ إِلَى شَجَلِهِ ... (عادة الناصبي، ص ۱۸۷).

می‌گمارد تا وی را ندا دهند: خوشا به حالت و بهشت گوارایت باد.<sup>۱</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود: فرشته‌ای مردی را نزد درِ خانه‌ای که صاحبش غایب بود، ملاقات کرد. از وی پرسید: چه چیز تو را به اینجا آورده است؟ آن مرد گفت: برادری دارم که برای زیارتش آمده‌ام. فرشته پرسید: آیا برای نسبتی که میان شماست آمده‌ای یا به انگیزه رفع نیازت بدو رغبت کردی؟ مرد پاسخ داد: میان ما پیوندی نزدیک‌تر از خویشاوندی اسلام نیست و نیازی مرا به سوی او نکشاند است؛ لیکن برای [رضای] خدای جهانیان به دیدارش آمده‌ام. فرشته گفت: پس بشارتت باد که من فرستاده خدا برای تو هستم و او به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: در این کار مرا قصد کرده‌ای و آنچه نزد من است اراده کرده‌ای و من نیز بهشت را برای تو واجب کردم و خشم خود را از تو بازداشتم.<sup>۲</sup>

**نگاه به مؤمن:** رسول الله ﷺ فرمود: نگاه [مؤمن] به برادری که وی را برای خدا دوست می‌دارد عبادت است.<sup>۳</sup>

**خوشرویی با مؤمن:** امام باقر ع فرمود: لبخند مرد در برابر برادرش نیکی است.<sup>۴</sup>

۱. مَنْ زَارَ أَخَاهُ لِلَّهِ لَا لِشَيْءٍ غَيْرِهِ بَلْ لَأَلْتِمَاسٍ مَا وَعَدَ اللَّهُ وَ تَجَزَّى مَا عِنْدَهُ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُنَادُونَهُ أَلَا طَبِئْتَ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ (عدة الداعی، ص ۱۸۸).

۲. لَقِيَ مَلَكًا رَجُلًا عَلَى بَابِ دَارٍ كَانَ رَبُّهَا غَائِبًا، فَقَالَ لَهُ الْمَلَكُ: مَا جَاءَ بِكَ إِلَى بَابِ هَذِهِ الدَّارِ؟ فَقَالَ: لِي أَخٌ أَرَدْتُ زِيَارَتَهُ. قَالَ: لِرَحِمٍ مَأْسَةٍ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ أَمْ نَزَعَتْكَ إِلَيْهِ حَاجَةٌ؟ قَالَ: مَا لَنَا مِنْ رَحِمٍ مَأْسَةٍ أَقْرَبَ مِنْ رَحِمِ الْإِسْلَامِ وَ مَا نَزَعْتَنِي إِلَيْهِ حَاجَةٌ وَ لَكِنْ زُرْتُهُ فِي الْمَلِكِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. قَالَ: فَأَبْشِرْ، فَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَ هُوَ يُفْرُئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: إِيَّايَ قَصَدْتَ وَ مَا عِنْدِي أَرَدْتُ بِصَنِيعِكَ، فَإِنِّي أَوْجِبْتُ لَكَ الْجَنَّةَ وَ عَافَيْتُكَ مِنْ غَضَبِي ... (عدة الداعی، ص ۱۸۹).

۳. ... وَ النَّظَرُ إِلَى الْأَخِ يُوَدُّهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَةٌ (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۲، ص ۱۷۵).

۴. تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ (الكافي، ج ۲، ص ۱۸۸).

از امام صادق علیه السلام پرسش شد: حسن خلق چیست؟ فرمود: نرمخو و خوش‌گفتار باشی و برادرت را با خوشرویی دیدار کنی.<sup>۱</sup>

سلام و دست دادن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگام دیدار با یکدیگر، با سلام و دست دادن ملاقات کنید و چون از یکدیگر جدا می‌شوید با مغفرت‌خواهی برای یکدیگر از هم جدا شوید.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: مؤمنان هرگاه همدیگر را ملاقات می‌کنند و دست در دست هم می‌نهند، خدا دست خود را میان دستان آن دو قرار می‌دهد و با کسی که برادرش را بیشتر دوست می‌دارد مصافحه می‌کند.<sup>۳</sup>

اجابت دعوت مؤمن: امام صادق علیه السلام فرمود: یکی از حقوق واجب مسلمان بر برادرش این است که دعوتش را پاسخ دهد.<sup>۴</sup>

رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: برای پاسخگویی به دعوت مؤمن سه میل (نزدیک به ۶ کیلومتر یا یک فرسخ) سفر کن.<sup>۵</sup>

نکته: مسافت یاد شده متناسب با اوضاع زمانی پیشین بوده و در دوران و اوضاع کنونی مقدار آن متفاوت خواهد بود.

خوردن غذای مؤمن: امام صادق علیه السلام فرمود: دوستدار انسان با خوردن غذای برادرش شناخته می‌شود.<sup>۶</sup>

۱. سنن الصادق علیه السلام: ما حدُّ حسن الخلق؟ قال: تلبينُ جانبك و تطيبُ كلامك و تلقى أخاك  
بیشتر حسن الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۲.

۲. إذا تلافيتهم فتلافوا بالتسليم و النصافح و إذا تفرقتهم فتفرقوا بالاستغفار (عده الداعی، ص ۱۸۹).

۳. إن المؤمنین إذا التقوا تصافحوا أدخل الله يده بين أيديهما فيصافح أشدهما حباً لصاحبه (عده الداعی، ص ۱۸۹).

۴. إن من حق المسلم على المسلم أن يجيبه إذا دعاه (الكافي، ج ۶، ص ۲۷۴).

۵. سر ثلاثة أميال أحب دعوة الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۱.

۶. يعرف حب الرجل بأكله من طعام أخيه (المحاسن، ص ۴۱۳).

پیامد کم شمردن پذیرایی مؤمن: رسول خدا ﷺ فرمود: مردم را همین گناه بس است که پذیرایی برادرشان را اندک شمارند.<sup>۱</sup>

### ج. حمایت عاطفی

شاد کردن مؤمن: رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس مؤمنی را شاد کند مرا شاد کرده و هر کس مرا شاد کند خدا را شاد کرده است.<sup>۲</sup>

نکته: شاد کردن مؤمن مصادیق فراوانی دارد و حمایت‌های یاد شده می‌توانند از مصادیق آن به شمار آیند.

امام صادق علیه السلام فرمود: ... هنگامی که خدا مؤمن را از قبرش برانگیزد شبّحی با وی خارج می‌شود که پیشاپیش او می‌رود و هرگاه مؤمن امری هولناک از رخدادهای قیامت را می‌بیند آن شبّح به وی می‌گوید: هراسناک و اندوهگین مباش و بر تو از جانب خدا بشارتی از شادمانی و کرامت است... مؤمن بدو گوید: خدا تو را رحمت کند، چه خوب همراهی هستی که با من از قبرم خارج شده‌ای و همواره از سوی خدا سرور و کرامت را به من بشارت می‌دهی تا چنین شد. تو کیستی؟ آن مثال گوید: من همان سروری هستم که تو بر برادر مؤمن خود در دنیا وارد کرده‌ای و خدا مرا [از همان سرور] آفریده تا به تو بشارت دهم.<sup>۳</sup>

۱. ... وَ كَفَى بِالْقَوْمِ إِثْمًا أَنْ يَسْتَقْبَلُوا مَا يُقَرَّبُهُ إِلَيْهِمْ أَخُوهُمْ (المحاسن، ص ۲۱۴).

۲. مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ (الكافي، ج ۲، ص ۱۸۸).

۳. إِذَا بَعَثَ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ قَبْرِهِ خَرَجَ مَعَهُ مِثَالٌ يَدْفَعُهُ أَمَامَهُ، فِكَلَّمَا رَأَى الْمُؤْمِنَ هَوْلًا مِنْ أَهْوَالِ الْقِيَامَةِ، قَالَ لَهُ الْمِثَالُ: لَا تَحْزَنْ وَ لَا تَحْزَنْ، وَ أَبْشِرْ بِالسُّرُورِ وَ الْكِرَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ... فَيَقُولُ لَهُ الْمُؤْمِنُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ، نَعَمْ الْخَارِجُ مَعِيَ مِنْ قَبْرِي! مَا زِلْتَ تُبَشِّرُنِي بِالسُّرُورِ وَ الْكِرَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى كَانَ ذَلِكَ، فَمَنْ أَنْتَ؟ فَيَقُولُ لَهُ الْمِثَالُ: أَنَا السُّرُورُ الَّذِي أَدْخَلْتَهُ عَلَيَّ أَحَبُّكَ فِي الدُّنْيَا، خَلَقَنِي اللَّهُ مِنْهُ لِأُبَشِّرَكَ (الامالی، طوسی، ص ۱۹۶).

**اجلال و تکریم مؤمن:** رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که برادر مسلمانش را با کلمه‌ای از سر لطف گرامی بدارد و اندوهی را از وی بزداید، تا زمانی که در حال گرامیداشت اوست، پیوسته در سایه رحمت الهی است.<sup>۱</sup>

امیرمؤمنان علی رضی الله عنه فرمود: هرکس برادرش را گرامی بدارد خدا را گرامی داشته است. به گمان شما کسی که خدا او را گرامی داشته وضع او چه خواهد شد؟<sup>۲</sup> یعنی پاداش گرامیداشت مؤمن فراتر از گمان‌های بشری است.

امام باقر رضی الله عنه فرمود: برادر مسلمانان را دوست بدار و آنچه برای خود می‌پسندی برایش بپسند و آنچه برای خود ناپسند می‌داری برای او هم نپسند... او را بزرگ بشمار و گرامی بدار، زیرا او از توست و تو از او بی.<sup>۳</sup>

**استقبال گرم از مؤمن:** امام سجّاد رضی الله عنه فرمود: هرکس به برادرش خوشامد بگوید، خدا تا روز قیامت برایش خوشامدگویی می‌نویسد.<sup>۴</sup>

**گشاده‌رویی:** امام باقر رضی الله عنه فرمود: مردی نزد رسول خدا آمد و گفت: ای رسول خدا! مرا سفارشی کن، فرمود: ... با چهره گشاده برادرت را دیدار کن.<sup>۵</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود: خدا از کسی که در برابر برادرانش ترش‌رویی می‌کند، خشمگین است.<sup>۶</sup>

۱. مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِكَلِمَةٍ يَلْطَفُ بِهَا وَ فَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ (الكافي، ج ۲، ص ۲۰۶).

۲. مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ، فَمَا ظَنُّكُمْ بِمَنْ يُكْرِمُ اللَّهَ أَنْ يُفَعِّلَ اللَّهُ بِهِ؟ (عادة الداعي، ص ۱۹۰).

۳. أَحَبُّ أَخَاكَ الْمُسْلِمِ وَ أَحَبُّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تُكْرَهُ لِنَفْسِكَ... أَجَلُهُ وَ أَكْرَمُهُ فَإِنَّهُ مِنْكَ وَ أَنْتَ مِنْهُ (مشكاة الانوار، ص ۸۳).

۴. مَنْ قَالَ لِأَخِيهِ: مَرْحَبًا، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مَرْحَبًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (الكافي، ج ۲، ص ۲۰۶).

۵. إِتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجُلٌ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَوْصِنِي، فَكَانَ فِيمَا أَوْصَاهُ أَنْ قَالَ: أَلِقْ أَخَاكَ بِوَجْهِ مُنْبَسِطٍ (الكافي، ج ۲، ص ۱۰۳).

۶. إِنْ اللَّهُ يَبْغِضُ الْمُعْسَسَ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ (كشف الریبه، ص ۸۳).

اعلان بیماری به برادران مؤمن: امام صادق سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: سزاوار است مؤمن وقتی بیمار شد برادرانش را از بیماری خود آگاه سازد تا از او عیادت کنند و در نتیجه هم خودش و هم آنان از این عیادت بهره‌مند گردند. پرسیده شد: آنان به سبب عیادت از وی پاداش دارند، اما او چگونه پاداش می‌یابد؟ فرمود: چون او زمینه‌ساز پاداش آنها شده، پاداش می‌برد و در این عمل برای او ده نیکی نوشته می‌شود و ده درجه رفعت می‌یابد و ده گناه از او زدوده می‌شود.<sup>۱</sup>

نامه‌نگاری به مؤمن: امام صادق سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: پیوند برادران در وطن (حَضْر) به دیدار و زیارت و در سفر با نامه‌نگاری است.<sup>۲</sup>

ترک تقاضا از مؤمن: امام صادق سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: از برادرانتان درخواست نیاز نکنید که اگر از شما دریغ کنند، خشمگین می‌شوید و کفر می‌ورزید.<sup>۳</sup>

نکته: اگر چه بر مؤمنان لازم است نیاز برادران دینی خود را برآورند، ولی این کار همیشه برای آنها ممکن نیست، از این رو درخواست از آنان، هم موجب آزرده‌گی خودشان و هم موجب ناراحتی درخواست کننده است.

درخواست از مؤمنان: امام باقر سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: برادر مسلمانان را دوست بدار و آنچه برای خود می‌پسندی برای او نیز بپسند و آنچه را برای خود ناپسند می‌داری برای او نیز مپسند و هرگاه نیازمند شدی از او درخواست کن و هرگاه او

۱ . يَتَّبِعِي لِلْمَرِيضِ مِنْكُمْ أَنْ يُؤَدِّنَ إِخْوَانَهُ بِمَرَضِهِ فَيَعُودُوهُ فَيُؤَجِّرُ فِيهِمْ وَ يُؤَجِّرُونَ فِيهِ. قَالَ: فَيَقِيلُ لَهُ: نَعَمْ، هُمْ يُؤَجِّرُونَ بِمَشَاهِمِ إِلَيْهِ فَكَيْفَ يُؤَجِّرُ هُوَ فِيهِمْ؟ قَالَ: فَقَالَ: بِاِكْتِسَابِهِ لَهُمُ الْحَسَنَاتِ، فَيُؤَجِّرُ فِيهِمْ فَيَكْتَسِبُ لَهُ بِذَلِكَ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ يَرْفَعُ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ يَحِطُّ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ (الكافي، ج ۳، ص ۱۱۷).

۲ . التَّوَأَسُّلُ بَيْنَ الْإِخْوَانِ التَّزَاوُرِ وَ التَّوَأَسُّلُ بَيْنَهُمْ فِي السَّفَرِ التَّطَفُّؤُ - «مناجاة الاخوة» - ص ۵۰.

۳ . لَا تَسْأَلُوا إِخْوَانَكُمْ الْحَوَائِجَ فَيَمْنَعُوكُمْ فَتَغْضَبُونَ وَ تَكْفُرُونَ (مصادقة الاخوة، ص ۵۴).

از تو درخواست کرد عطایش کن.<sup>۱</sup>

**نکته:** اگر چه اصل در زندگی، ترک تقاضا از همگان حتی مؤمنان است ولی در شرایطی خاص و با توجه به توانایی برادر مؤمن تقاضای از او ضرورت می‌یابد و بر او نیز لازم است اجابت نماید.

پذیرش عذر مؤمنان: حسن بن راشد می‌گوید: امام صادق سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فرمود: هرگاه از مؤمنی چیزی خواستی پیش از آنکه عذرخواهی کند عذرهایی برایش آماده ساز [و احتمال معذور بودنش را در نظر داشته باش]، پس اگر عذر خواست، عذرش را بپذیر هرچند به گمان تو امور بر خلاف گفته او است.<sup>۲</sup>

اعتماد به سخن مؤمنان: امام صادق سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فرمود: قصد کردم شخصی را به عنوان شریک با مال التجارة به یمن بفرستم. نزد امام باقر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رفتم و درباره انتخاب آن شریک با او مشورت کردم. آن حضرت فرمود: مگر نمی‌دانی او شرابخور است؟ گفتم: مؤمنان چنین می‌گویند. فرمود: آنان را درباره شرابخواری او تصدیق کن، زیرا خدا فرمود: **يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يَوْمُنَ لِلْمُؤْمِنِينَ**<sup>۳</sup>؛ یعنی خدا و مؤمنان را تصدیق می‌کند.<sup>۴</sup>

۱. أَحِبُّ أَحْبَابَ الْمُسْلِمِ وَأَحِبُّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَكْرَهُ لَهُ مَا تُكْرَهُ لِنَفْسِكَ. إِذَا احْتَجَّتْ فَسَلِّمْهُ وَإِذَا سَأَلَكَ فَأَعْطِهِ... (مشكاة الانوار، ص ۱۸۱).

۲. إِذَا سَأَلْتَ مُؤْمِنًا حَاجَةً فَهَيِّئْ لَهُ الْمَعَادِيرَ قَبْلَ أَنْ يُعْذِرَ، فَإِنْ اعْتَذَرَ فَأَقْبَلْ عُذْرَهُ وَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّ الْأُمُورَ عَلَيَّ خِلَافَ مَا قَالَتْ (مصداقة الاخوان، ص ۶۳-۶۴).

۳. اشاره به آیه ۶۱ سوره توبه است که در وصف رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

۴. إِنِّي أُرِدْتُ أَنْ أَسْتَبْضِعَ فَلَانًا بِضَاعَةً إِلَى الْيَمَنِ فَأَتَيْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْتَبْضِعَ فَلَانًا، فَقَالَ لِي: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ يَشْرَبُ الْخَمْرَ؟ فَقُلْتُ: قَدْ بَلَغَنِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ ذَلِكَ، فَقَالَ: صَدَقْتَهُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ... فَقَالَ: يَعْنِي يُصَدِّقُ اللَّهَ وَ يُصَدِّقُ الْمُؤْمِنِينَ، ... (تفسير العنابي، ج ۲، ص ۱۹۵).

باشد یا اخبار مؤمنان با هم تعارض داشته باشد.

اعلان محبت به مؤمن: رسول خدا ﷺ فرمود: هر یک از شما برادرش را دوست دارد به وی اعلان کند که این کار برای پیوند شما بهتر است.<sup>۱</sup>

## نیکی به برادران مسلمان (اهل سنت)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ای گروه شیعه! شما به ما منسوبید، پس برای ما زینت باشید و مایه ننگ ما نباشید. چه مانعی هست که در میان مردم (اهل سنت) همانند یاران علی عَلَيْهِ السَّلَام باشید، اگر مردی از آن یاران هم اکنون زنده بود، در قبیله خود پیشوا، مؤذن و امانتدار آنان بود. از بیمارانشان عیادت کنید و در تشییع جنازه‌هایشان حاضر شوید و در مساجد آنها نماز بگذارید و آنان در کار خیر از شما پیشی نگیرند. به خدا سوگند شما از آنها به کار نیک سزاوارتر هستید...<sup>۲</sup>

## ۲. تعامل با فاسقان

در آیات فراوان درباره ارتباط با فاسقان دستورهای آملده است؛ مانند:

تحقیق درباره گزارش گنهکاران: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر فاسقی برای شما خبری [مهم] آورد، درباره آن تحقیق کنید.<sup>۳</sup>

نپذیرفتن گواهی گنهکاران: هرگز شهادتشان را درباره امری نپذیرید.<sup>۴</sup>



۱. من [ان] أَحَبُّ أَحَدِكُمْ أَخَاهُ فَلْيُعَلِّمَهُ، فَإِنَّهُ أَصْلَحُ لِنَاةِ الْبَيْنِ (الجعفریات، ص ۱۹۵).

۲. يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ! إِنَّكُمْ قَدْ نَسِيتُمْ إِلَيْنَا، كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، مَا يَمْنَعُكُمْ أَنْ تَكُونُوا مِثْلَ أَصْحَابِ عَلِيِّ رِضْوَانِ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي النَّاسِ إِنْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ لِيَكُونَ فِي الْقَبِيلَةِ فَيَكُونَ إِمَامَهُمْ وَ مُؤَدِّتَهُمْ وَ صَاحِبَ أَمَانَتِهِمْ وَ وَدَاعِيَهُمْ عَوْدُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ لَا يَسْبِقُواكُمْ إِلَى خَيْرٍ فَأَنْتُمْ وَ اللَّهُ أَحَقُّ مِنْهُمْ بِهِ... (مشكاة الانوار، ص ۶۷).

۳. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا...﴾ (سورة حجرات، آیه ۶).

۴. ﴿وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا...﴾ (سورة نور، آیه ۴).



دوری از آنان: چنان که حضرت موسای کلیم سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ جدایی از فاسقان را از خدا درخواست کرد و گفت: پس میان ما و این مردم تمردپیشه داوری کن و ما را در انجام فرمان خود یاری رسان.<sup>۱</sup>

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از اجابت دعوت فاسق به غذا و حضور بر سفره آنان نهی فرمود.<sup>۲</sup>

امیرمؤمنان سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ به کمیل فرمود: ای کمیل!... از فاسقان دوری کن.<sup>۳</sup>

امام باقر سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ می فرماید: پدرم علی بن الحسین سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ به من فرمود: برم! از پنج نفر بر حذر باش و با آنها گفت و گو و همراهی نکن. گفتم: پدر جان! آنان چه کسانی اند؟ فرمود: بر حذر باش از مصاحبت با دروغگو که او همانند سراب دور را برای تو نزدیک و نزدیک را دور می کند و پرهیز از مصاحبت با فاسق، زیرا او تو را به لقمه ای یا کمتر از آن می فروشد و بر حذر باش از همراهی با بخیل که تو را در نیازمندترین حالت به مال او، خوار و زبون می کند و پرهیز از مصاحبت با احمق که تلاش او برای سودرسانی به تو، زیان آور است و پرهیز از همراهی با قاطع رحم که در کتاب الهی مورد لعن است.<sup>۴</sup>



۱. «... فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (سوره مائده، آیه ۲۵).

۲. ... وَ نَهَى عَنْ إِجَابَةِ الْفَاسِقِينَ إِلَى طَعَامِهِمْ (الفتیه، ج ۴، ص ۷).

۳. يَا كَمِيلُ! ... وَ اهْجُرِ الْفَاسِقِينَ (تحف العقول، ص ۱۷۳).

۴. يَا بَنِي أَنْظِرْ خَمْسَةَ فَلَا مُصَاحِبَهُمْ وَ لَا تُحَادِثُهُمْ وَ لَا تُرَافِقُهُمْ فِي طَرِيقٍ، فَقُلْتُ: يَا أَبَتِ مَنْ هُمْ عَرَفْتَهُمْ؟ قَالَ: إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْكُذَّابِ، فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرَابِ يَقْرَبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَ يَبْعَدُ لَكَ الْقَرِيبَ، وَ إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْفَاسِقِ، فَإِنَّهُ بِأَنْعَكَ بِأَكْلَةٍ أَوْ أَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ، وَ إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْبَخِيلِ، فَإِنَّهُ يَخْدُلُكَ فِي مَالِهِ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ، وَ إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْأَحْمَقِ، فَإِنَّهُ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ، وَ إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الْقَاطِعِ لِرَحْمِهِ، فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ... (الکافی، ج ۶، ص ۶۲۱).

## مدارا با گنهکاران

رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: مدارا با مردم نیمی از ایمان است و نرمش با آنها نیمی از زندگی است. امام صادق سَلَّمَ پس از نقل کلام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: با گناهکاران در ظاهر معاشرت داشته باشید و با آنها درگیر نشوید که به شما ستم می‌کند.<sup>۱</sup>

امیرمؤمنان علی سَلَّمَ در وصیت خود به امام حسن سَلَّمَ فرمود: ... با فاسق برای [حفظ] دینت مدارا کن و در قلبت از وی بیزار و با رفتارت از او برکنار باش تا همانند او نباشی.<sup>۲</sup>

## پیامد گرامیداشت گنهکاران

امیرمؤمنان علی سَلَّمَ به نقل از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگاه فاسقی بر مردم آقایی کند و زعیم قوم خوارترین آنان باشد و مرد گناهکار گرامی داشته شود پس باید منتظر بلا بود.<sup>۳</sup>

## ۳. تعامل با متظاهران به اسلام

یکی از گروه‌های انحرافی و بسیار خطرناک در جامعه اسلامی منافقانند که شاخه‌ای از فاسقان شمرده می‌شوند.<sup>۴</sup> آنان سوگندهای [دروغین] خود را به عنوان



۱. مَدَارَةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَالرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَخَالِطُوا الْفُجَّارَ جَهَارًا وَلَا تَمِيلُوا عَلَيْهِمْ فَيُظْلِمُواكُمْ (الكافي، ج ۲، ص ۱۱۷).

۲. ... دَارِ الْفَاسِقِ عَنِ دِينِكَ وَابْغِضْهُ بِقَلْبِكَ وَزَايِلْهُ بِأَعْمَالِكَ كَيْلًا تَكُونَ مِثْلَهُ... (الامالی، موسی، ص ۸).

۳. إِذَا سَادَ الْقَوْمُ فَاسِقُهُمْ وَكَانَ زَعِيمَ الْقَوْمِ أَذْلَهُمْ وَأَكْرَمَ الرَّجُلِ الْفَاسِقُ فَلْيَنْتَظِرِ الْبَلَاءَ (حف العقول، ص ۳۶).

۴. ... إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿ (سوره توبه، آیه ۶۷).

سپهر صیانت از آسیب می‌گیرند و با این نیرنگ مردم را از راه خدا باز می‌دارند.<sup>۱</sup> ظاهرشان بسیار فریبنده است؛ ولی دشمن حقیقی شما و دین‌اند و خدا مسلمانان را از این گروه بر حذر داشته است.<sup>۲</sup> شناخت منافقان نیز بصیرت می‌طلبد.

## برخی اوصاف منافق

منافق چون با ظاهری دینی با مؤمنان روبه‌رو می‌شود، قبل از هر چیز باید او را شناخت، از همین رو در این بخش به برخی از اوصاف آن‌ها اشاره می‌شود: ادعای دروغین ایمان؛ و از مردم کسانی‌اند که می‌گویند: به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده‌ایم، در حالی که مؤمن نیستند.<sup>۳</sup>

نیرنگبازی: آنان با خدا و کسانی که ایمان آورده‌اند سخت نیرنگ می‌بازند؛ ولی جز خود را فریب نمی‌دهند، و این را در نمی‌یابند.<sup>۴</sup>

انحصار طلبی: می‌گویند: اگر به مدینه بازگردیم، قطعاً آن که عزیزتر است آن را که زیون‌تر است از آنجا بیرون خواهد کرد، و حال آنکه عزت، همه از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است اما منافقان نمی‌دانند.<sup>۵</sup>

ترس از مرگ: هنگامی که جهاد بر آنان واجب شد، بر خلاف انتظار، گروهی از ایشان از مردم [= مشرکان] ترسیدند، مانند ترس از خدا یا ترسی بیشتر، و گفتند: پروردگارا چرا پیکار را بر ما مقرر داشتی؟ ...<sup>۶</sup>

۱. ﴿اتَّخَذُوا إِلَهُهُمْ حُلَّةً فَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (سوره منافقون، آیه ۲).

۲. ﴿لَهُمُ الْعَذَابُ فَاذْرَهُمْ﴾ (سوره منافقون، آیه ۴).

۳. ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ (سوره بقره، آیه ۸).

۴. ﴿يَخْدَعُونَ اللَّهَ وَ الدِّينَ ءَامَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ﴾ (سوره بقره، آیه ۹).

۵. ﴿يَقُولُونَ لَئِن رَّحِمْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنَّا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (سوره منافقون، آیه ۸).

۶. ﴿فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ هَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ...﴾ (سوره نساء، آیه ۷۷).



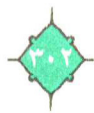
زورمداری طبقه گرایی: و چون به آنان گفته شود: شما نیز همان‌گونه که مردم ایمان آورده‌اند ایمان بیاورید، گویند: آیا چنان‌که بی‌خردان ایمان آورده‌اند ایمان بیاوریم؟<sup>۱</sup>

**سازشکاری با دشمن:** ... این از آن روست که آنان به کسانی که از قرآن و احکام آن ناخشنود بودند وعده همکاری دادند و گفتند: در پاره‌ای از امور - تا آن‌جا که راز ما فاش نشود - از شما پیروی خواهیم کرد، [غافل از آنکه] خدا نهانکاری آنان را می‌داند.<sup>۲</sup>

**کسالت و خودنمایی در عبادت:** منافقان... چون به نماز بایستند با سستی می‌ایستند، و به مردم خودنمایی می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند.<sup>۳</sup>

**نکته:** منافق چون در باطن کافر است و خدا را قبول ندارد اصلاً به یاد او نخواهد بود؛ چه اندک و چه فراوان. طبق کلام نورانی حضرت امیرمؤمنان سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در ذیل همین آیه<sup>۴</sup>، منافقان فقط برای دنیا به یاد خدایند و دنیا متاع قلیل است، از این جهت خدا فرمود: ... ﴿إِلَّا قَلِيلًا﴾.

**تمسخر مؤمنان:** و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، گویند: ایمان آورده‌ایم، و چون نزد سران شرور خود روند و با آنان خلوت کنند، گویند: ما با شما ایم، جز این نیست که ما مؤمنان را به مسخره گرفته‌ایم.<sup>۵</sup>



۱. ﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا اتَّبِعْنَا كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ﴾ (سوره بقره، آیه ۱۳).

۲. ﴿ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوْا لَلَّذِيْنَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللّٰهُ سَنَطِيْعَكُمْ فِىْ بَعْضِ الْاَمْرِ وَ اللّٰهُ يَعْلَمُ اِسْرَارَهُمْ﴾ (سوره محمد، آیه ۲۶).

۳. ﴿اِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ ... وَ اِذَا قَامُوْا اِلَى السَّلٰوَةِ قَامُوْا كَمَا سٰى بُرَاةُوْنَ النَّاسِ وَ لَا يَتَذَكَّرُوْنَ اللّٰهَ اِلَّا قَلِيْلًا﴾ (سوره نساء، آیه ۱۴۲).

۴. سوره نساء، آیه ۱۴۲.

۵. ﴿وَ اِذَا لَقُوا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا قَالُوْا ءَامَنَّا وَ اِذَا خَلَوْا اِلَى شَيْطٰنِيْهِمْ قَالُوْا اِنَّا مَعَكُمْ اِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُوْنَ﴾ (سوره بقره، آیه ۱۴).

پیمان شکنی و کذب: این بخل در دل‌هایشان نفاقی بر جای نهاد که تا روزی که مرگ را دیدار کنند از آنان جدا نخواهد شد. این بدان سبب بود که وعده‌ای را که به خدا دادند وفا نکردند و همواره دروغ می‌گفتند.<sup>۱</sup>

پنهان کاری: آیا [منافقان] نمی‌دانند که خدا کارها و سخنان پنهانی آنان را می‌داند؟<sup>۲</sup>

عیبجویی از مؤمنان: ... کسانی که به مؤمنان توانگری که از روی رغبت صدقه می‌دهند طعنه می‌زنند و نیز بر کسانی از اهل ایمان که چیزی برای پرداخت صدقه نمی‌یابند مگر آن که آخرین تلاش خود را به کار بندند، خرده می‌گیرند، و هر دو گروه را به خاطر پرداخت صدقه مسخره می‌کنند، خدا آنان را به مسخره خواهد گرفت و برای آنان عذابی دردناک خواهد بود.<sup>۳</sup>

خیانت: امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز در هر کسی باشد، او منافق است، گرچه روزه بگیرد و نماز بگزارد: کسی که هرگاه سخن بگوید دروغ می‌گوید و هرگاه وعده دهد خلف وعده کند و هرگاه امین شمرده شود خیانت ورزد.<sup>۴</sup>

حق ناشناسی: امام صادق علیه السلام فرمود: سه گروه‌اند که جز منافق معروف به نفاق، نسبت به آنان بی‌احترامی نمی‌کند: ۱. کسی که موی او در اسلام سفید

۱. «فَاعْتَبِهِمْ إِنَّمَا فِي قُلُوبِهِمُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ مَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ مَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (سوره توبه، آیه ۷۷).

۲. «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ...» (سوره توبه، آیه ۷۸).

۳. «الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (سوره توبه، آیه ۷۹).

۴. ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَهُوَ مُنَافِقٌ وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى: مَنْ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُرْتَبِنَ خَانَ (محمد النعمان، ص ۳۱۵).

شده باشد. ۲. دانشمند قرآن‌شناس. ۳. پیشوای دادگر.<sup>۱</sup>

**عیاشی‌گری:** رسول گرامی ﷺ فرمود: ای پسر مسعود! پس از من اقوامی خواهند آمد که غذاهای خوب و رنگارنگ می‌خورند و بر مرکب سوار می‌شوند در حالی که خود را به آرایش ویژه زنان برای شوهر، می‌آریند و همچون زنان جلوه‌گری می‌کنند و همانند شاهان ستمکار زندگی می‌کنند. آنان منافقان این امت در آخر الزمانند که شراب می‌نوشند و در پی بازی با دوشیزگانند و بر مرکب شهوت سوار می‌شوند و نمازهای جماعت را ترک می‌گویند و با سهل‌انگاری از نماز شامگاهان باز می‌مانند و در خوردن زیاده‌روی می‌کنند. آن‌گاه بخشی از قرآن را قرائت کردند که ترجمه آن این است: پس از آنان مردمی ناشایسته به جای ایشان آمدند که نماز را تباه ساختند و از خواهش‌های نفسانی پیروی کردند، و به زودی گمراهی خود را خواهند دید.<sup>۲</sup>

### شیوه تعامل با منافقان

امیرمؤمنان علی رضی الله عنه می‌فرماید: ای کمیل! از منافقان دوری کن و با خائنان همراهی نکن. ای کمیل! از رفتن به در خانه ستمکاران و اختلاط با آنان و کسب درآمد از طریق آن‌ها برحذر باش و از اطاعت آنان و حضور در مجالسشان نیز

۱. ثلاثة لا یجهل حقهم الا منافق معروف بالنفاق: ذو الشیبة فی الإسلام و حامل القرآن و الإمام العادل (الکافی، ج ۲، ص ۶۵۸).

۲. یا ابن مسعود! سیأتي من بعدي أقوام يأكلون طيبات الطعام و ألوانها و یركبون الدواب و یتزینون بزینة المرأة لزوجها و یتبرجون تبرج النساء و زیهن مثل زی الملوك الجبارة، هم منافقو هذه الأمة فی آخر الزمان شاربو القهوات لاعبون بالكعب راکبون الشهوات شاركون الجماعات راقدون عن العتمة مفرطون فی الغدوات، یقول الله تعالی: **فَخَلَفَ مِنْ بَدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ یَلْقَوْنَ عَذَابًا** [سوره مریم، آیه ۵۹] (مکارم الاخلاق،

بپرهیز که این کار موجب خشم خدا بر تو خواهد بود. ای کمیل! هرگاه ناچار شدی نزد آنان روی پیوسته خدای متعالی را به یاد آور و بر او توکل کن و از شر آنان به خدا پناه ببر. نزدشان برو؛ ولی با قلب خود از کردارشان بیزار باش و با صدای بلند خدا را به عظمت یاد کن تا آنها بشنوند؛ زیرا [در این صورت] هیبت تو در آنان اثر خواهد کرد و از شرشان در امان خواهی بود.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: ای اسحاق! با منافق تعامل زبانی داشته باش و دوستی‌ات را برای مؤمن خالص کن.<sup>۲</sup>

۱. ... يَا كَمِيلُ! جَانِبِ الْمُنَافِقِينَ وَلَا تُصَاحِبِ الْخَائِنِينَ. يَا كَمِيلُ! إِيَّاكَ إِيَّاكَ وَالتَّطَرُّقَ إِلَيَّ أَبْوَابِ الظَّالِمِينَ وَالاخْتِلَاطَ بِهِمْ وَالاِكْتِسَابَ مِنْهُمْ وَ إِيَّاكَ أَنْ تُطِيعَهُمْ وَأَنْ تَشْهَدَ فِي مَجَالِسِهِمْ بِمَا يُسَخِّطُ اللَّهَ عَلَيْهِمْ. يَا كَمِيلُ! إِذَا اضْطُرَّرْتَ إِلَيَّ حُضُورِهِمْ فِدَاؤِمُ ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَالتَّوَكَّلَ عَلَيْهِ وَاسْتَعَدَّ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِمْ وَاطَّرَقَ عَنْهُمْ وَانْكَرَ بِقَلْبِكَ فِعْلَهُمْ وَاجْهَرَ بِتَعْظِيمِ اللَّهِ تَعَالَى لِتَسْمِعَهُمْ، فَإِنَّهُمْ يَهَابُوكَ وَتَكْفِي شَرَّهُمْ (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۱) شایان توجه است که ظالم از مصادیق منافق است.

## نکاتی دربارهٔ حُسن خُلُق و معاشرت

حُسن خُلُق محبوب‌ترین و ارزشمندترین عمل نزد خدا پس از واجبات الهی است.

خوشخویی، بر اساس روایات، نه تنها سبب نشاط زندگی فردی و اجتماعی و موجب آبادانی دیار و فزونی روزی و محبوبیت است، بلکه موجب نجات آدمی و آمرزش گناهان او و زمینه‌ساز قُرْب به پیامبر ﷺ در روز قیامت و بهره‌مندی از شفاعت آن بزرگوار است.

حُسن خلق در فرهنگ اسلام از رحمت الهی ریشه می‌گیرد که خدای مهربان با معرفی پیامبر اکرم ﷺ به عنوان الگوی برتر حُسن خلق<sup>۱</sup> در خطاب به آن گرامی می‌فرماید: به سبب لطف و رحمت خدا بود که با آنان نرمخویی و مهربانی کردی و اگر درشتخوی و سخت‌دل بودی، قطعاً از گرد تو پراکنده شده بودند.<sup>۲</sup>

حُسن خلق، که از فضایل نفسانی است، با لبخندها و خوشرویی‌های ظاهری و تصنعی که برای جلب منافع مادی است تفاوت دارد.

۱. «وَالَّذِي لَعَنَ خُلُقِي عَظِيمٌ» (سوره تلو، آیه ۴).

۲. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).



مباحث این بخش در سه محدوده کلی: خوشرویی، خوش‌گویی و خوش‌رفتاری دسته‌بندی شده که امام صادق علیه السلام این سه را محدوده حسن خلق دانسته است.<sup>۱</sup> در اینجا به روایاتی که ارزش، آثار و پاداش خوش‌خویی و نیز پیامد بدخویی را مطرح کرده‌اند اشاره می‌شود و بیشتر به احادیثی توجه شده که خوش‌خویی صنفی را مد نظر قرار داده‌اند:

## ارزش حسن خلق

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در ترازوی عمل آدمی در روز قیامت، چیزی برتر از حسن خلق نهاده نمی‌شود؛<sup>۲</sup> نیز فرمود: در ترازوی عمل چیزی سنگین‌تر از خلق نیکو نیست.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن، پس از واجبات، عملی محبوب‌تر از خوشرفتاری با مردم، بر خدا عرضه نکرده است.<sup>۴</sup>

## آثار خوشخویی

امام صادق علیه السلام فرمود: نیکی و خوشخویی سرزمین را آباد می‌کنند و بر عمر آدمی می‌افزایند؛<sup>۵</sup> همچنین فرمود: خوشخویی بر روزی می‌افزاید؛<sup>۶</sup> نیز فرمود:

۱. مَا حَدَّثَ حَسَنَ الْخُلُقِ؟ قَالَ: ثَلَاثٌ جَانِبَكَ وَ تَطِيبُ كَلَامَكَ وَ تَلْفِي أَخَاكَ بِيَسْرٍ حَسَنٍ (الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۲).

۲. مَا يَوْضَعُ فِي مِيزَانِ أَمْرِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حَسَنِ الْخُلُقِ (الكافي، ج ۲، ص ۹۹).

۳. مَا مِنْ شَيْءٍ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنْ حَسَنِ الْخُلُقِ (عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۷).

۴. مَا يَقْدَمُ الْمُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِعَمَلٍ بَعْدَ الْفَرَائِضِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ أَنْ يَسْعَ النَّاسُ بِخُلُقِهِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۰۰).

۵. الْبِرُّ وَ حَسَنُ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ (الكافي، ج ۲، ص ۱۰۰).

۶. حَسَنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (الزهدي، ص ۳۰).



خوشخویی عامل جلب دوستی است.<sup>۱</sup>

## پاداش خوشخویی

قرب الهی: امیرمؤمنان سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: هیچ چیزی همانند خوش اخلاقی موجب قرب الهی نمی‌شود.<sup>۲</sup>

از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدند: بیشترین چیزی که موجب ورود به بهشت می‌گردد چیست؟ فرمود: تقوای الهی و خوش اخلاقی.<sup>۳</sup>

قرب به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: نزدیک‌ترین شما به من و بهره‌مندترین شما از شفاعت من در روز قیامت، راستگوترین، امانت‌دارترین، خوش‌اخلاق‌ترین و نزدیک‌ترین شما به مردم است.<sup>۴</sup>

پوشش گناهان: امام صادق سَلَامَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: چهار چیز است که در هر کس باشد ایمانش کامل است و هر چند از سر تا قدمش گناه باشد از قدرش نکاهد و آن، راستگویی، امانتداری، حیا و خوش اخلاقی است.<sup>۵</sup>

نکته: پیام حدیث این است که این صفات چهارگانه در هر کسی باشد سبب بازداشتن او از گناه و کامل شدن ایمانش می‌شود.

۱. حُسْنُ الْخُلُقِ مَجْلِبَةٌ لِمُؤَدَّةِ (الكافي، ج ۱، ص ۲۷).

۲. لَا قُرْبَى كَحُسْنِ الْخُلُقِ (روضة البواعظین، ص ۳۷۷).

۳. سِئَلُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَنْ أَكْثَرِ مَا يَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ (عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۲، ص ۳۸).

۴. إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي عَمَلًا وَ أَوْجِبْكُمْ عَلَيَّ شَفَاعَةً أَصْدَقُكُمْ لِسَانًا وَ أَدَاكُمْ لِأَمَانَةٍ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَقْرَبَكُمْ مِنَ النَّاسِ (الامالی، صدوق، ص ۵۰۸).

۵. أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ إِيمَانِهِ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قُرْبِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبًا لَمْ يَنْقُصْهُ ذَلِكَ، قَالَ وَ هُوَ الصَّدَقُ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ (الكافي، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰).

دستیابی به پاداش نماز و روزه: رسول خدا ﷺ فرمود: انسان مؤمن با حسن خلق خویش به درجهٔ روزه‌دار شب زنده‌دار می‌رسد.<sup>۱</sup>

دستیابی به پاداش جهاد: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: خدا در برابر حسن خلق بنده‌اش، به او پاداش مجاهدی را می‌دهد که در راه خدا پیوسته، شب و روز، جنگیده باشد.<sup>۲</sup>

### آثار بدخویی

رسول خدا ﷺ فرمود: بد اخلاق، خود را به سختی می‌اندازد.<sup>۳</sup>

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: خانواده فرد بد اخلاق از او خسته و بیزار می‌شوند؛<sup>۴</sup> همچنین فرمود: روزی فرد بد اخلاق تنگ می‌شود.<sup>۵</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود: بد اخلاقی عمل را تباه می‌کند، چنان‌که سرکه غسل را تباه می‌کند.<sup>۶</sup>

به رسول خدا ﷺ گفته شد: فلان زن روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها را به عبادت می‌پردازد؛ ولی بد اخلاق است و همسایگانش را با زبان می‌آزارد. فرمود: در او خیری نیست. او اهل آتش است.<sup>۷</sup>



۱. إِنَّ الْعَبْدَ لَيَنَالُ بِحَسَنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ (عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۳۷) [توجه: در بسیاری از روایات کلمه مؤمن و مسلم آمده است].
۲. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُعْطِي الْعَبْدَ مِنَ الثَّوَابِ عَلَى حَسَنِ الْخُلُقِ كَمَا يُعْطِي الْمَجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَغْدُو عَلَيْهِ وَ يَرُوحُ (الكافي، ج ۲، ص ۱۰۱).
۳. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ (الأمالی، طوسی، ص ۵۱۲).
۴. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ مَلَأَ أَهْلَهُ (تحف العقول، ص ۲۱۴).
۵. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ ضَاقَ رِزْقُهُ (غرر الحکم، ص ۲۶۴).
۶. الْخُلُقُ السَّيِّئُ يُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ (عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۳۷).
۷. قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ فُلَانَةَ تَصُومُ النَّهَارَ وَ تَقُومُ اللَّيْلَ وَ هِيَ سَيِّئَةُ الْخُلُقِ تُؤْذِي جِيرَانَهَا بِلِسَانِهَا، فَقَالَ: لَا خَيْرَ فِيهَا. هِيَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ (تبيين الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۹۰).

## راهکار برونرفت از تراحم اخلاقی

در فعل اخلاقی نیک، دو معرفت لازم است:

**تشخیص نیک از بد:** تحصیل این معرفت چندان زحمتی ندارد، زیرا خدای متعالی به انسان شناخت نیک از بد را الهام کرده است و فرموده است: «سوگند به جان آدمی و آن کس که آن را هماهنگ آفریده، سپس تقوا و فجور را به وی الهام کرده است»<sup>۱</sup>، از این رو «آدمیان بر کردار خویش از این منظر آگاهاند، اگرچه در ظاهر برای خود بهانه‌هایی می‌تراشند»<sup>۲</sup>.

**تشخیص اهم از مهم و خوب‌تر از خوب:** یعنی گاهی عملی از منظر اخلاقی به خوب و خوب‌تر یا بد و بدتر منتهی می‌شود که برای تشخیص آن دو از یکدیگر معرفتی دیگر می‌خواهد تا از این تراحم رهایی یابد. این عرصه، عرصه خیال و وهم نیست که از روی احساسات و ترحم، بتوان یک طرف را ترجیح داد، بلکه نیروی عقل از درون و دلیل نقل بر گرفته از وحی از بیرون عهده‌دار داوری در این مقام‌اند.<sup>۳</sup> کاری که انسان بر اساس ترحم انجام می‌دهد وقتی به امضای عقل یا نقل معتبر برسد، ستودنی است. زیرا عقل، هادی طریق عبودیت رحمان و ترحم به دیگران است.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: عقل چیست؟ فرمود: چیزی است که با آن خدای رحمان عبادت شود و بهشت به دست آید.<sup>۴</sup>

**نکته:** معرفت حق و باطل، صدق و کذب، خیر و شر و حسن و قبیح بر عهده عقل نظری است و انتخاب حق و صدق و خیر و حسن و پرهیز از

۱. «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمْنَاهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (سوره شمس، آیات ۷-۸).

۲. «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ \* وَ لَوْ لَاقَىٰ مَعَاذِرَهُ» (سوره قیامت، آیات ۱۴-۱۵).

۳. تفسیر موضوعی، ج ۱۰، مابقی اخلاق در قرآن، ص ۱۶۳.

۴. ... قُلْتُ لَهُ: مَا الْعُقْلُ؟ قَالَ: مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ... (الكافي، ج ۱، ص ۱۱).

نمی‌دانی هرگاه مؤمنان به ملاقات یکدیگر بروند و به همدیگر دست دهند خدا رحمت خود را بر آنان فرو فرستد...<sup>۱</sup>

در این دو مورد، هر دو نفر در پی فعل اخلاقی برتر بودند؛ لیکن در تشخیص خود خطا کردند و با هدایت معصوم ﷺ به شناخت حق دست یافتند.

۳. زکریا بن آدم از بزرگان قم می‌گوید: بر امام رضا ﷺ وارد شدم و از آغاز شب پیوسته با من گفت‌وگو می‌کرد تا صبح شد و برخاست و نماز صبح به جای آورد.<sup>۲</sup>

با اینکه نزد امام ﷺ ثواب نماز شب بسیار زیاد است، در آن شب گفت‌وگوی معرفت‌آموز دینی با مهمان عزیز خود را مهم‌تر دید، بدین جهت آن را ترجیح داد. البته او بهتر می‌داند که خدا از کدام عبادت خشنودتر است.

### تزاحم اخلاقی در امور پزشکی

در عرصه اخلاق پزشکی مسائلی از قبیل میراندن از روی ترحم و سقط جنین که در شرایط کنونی به آن «اتانازی» گویند، اهمیت ویژه‌ای دارد و این پرسش‌ها مطرح‌اند: آیا ما حق داریم بر اساس خواسته بیمار یا خانواده او یا بدون درخواست آنان و برای رها کردن بیمار دردمند از رنج شدید، مرگ او را تسریع کنیم؟ آیا رهایی از خطر معلولیت کودک پس از تولد می‌تواند دلیل موجهی برای سقط جنین باشد و ...

۱. دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَتَطَرَّ إِلَى بُجْهِ قَاطِبٍ، فَقُلْتُ: مَا الَّذِي غَيَّرَكَ لِي؟ قَالَ: الَّذِي غَيَّرَكَ لِإِخْوَانِكَ؛ بَلَّغَنِي يَا إِسْحَاقُ أَنَّكَ أَقْعَدْتَ بِيَابِكَ بَوَابًا يَرُدُّ عَنْكَ فَقَرَاءَ الشَّيْعَةَ، فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، إِنِّي خِفْتُ الشُّهْرَةَ، فَقَالَ: أَمْ أَفَلَا خِفْتُ الْبَلِيَّةَ أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا فَتَصَافَعُوا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرَّحْمَةَ عَلَيْهِمَا... (الكافي، ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۲).

۲. دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا عليه السلام مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ فِي حَدَثَانٍ ... وَ لَمْ يَزَلْ يُحَدِّثْنِي وَ أَحَدَثُهُ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ، ثُمَّ قَامَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ وَ صَلَّى صَلَاةَ الْفَجْرِ (الاختصاص، ص ۸۶).

هرچند در اینجا جای طرح این موضوع نیست و باید در جای مناسب خود، از آن بحث شود، به جهت ارتباط با موضوع تراحم اخلاقی، به صورت کوتاه به آن اشاره می‌شود. مکاتب غربی درباره این موضوع دیدگاه‌های متفاوت دارند؛ اما همگی نسبت به عدم جواز اتانازی فعال اجباری (اقدام جهت تسریع در مرگ بیمار، بدون درخواست وی) اتفاق نظر و درباره دیگر اقسام اتانازی اختلاف دارند.<sup>۱</sup> اما برای پاسخ به آن از دیدگاه اسلام ابتدا باید به پرسشی دیگر پاسخ داد که حق حیات از آن کیست؟ در پاسخ باید گفت مالک حقیقی همگان خداست و هیچ کس در برابر خدا مالک حیات خود یا دیگران نیست، از این رو در قرآن فرمود: تنها اوست که میرانده و حیات بخشیده است.<sup>۲</sup> آری، حق ستاندن جان آدمی فقط از آن خدای متعالی و به اذن و اجازه اوست و حتی خود شخص حق زوال حیات خود را ندارد. قرآن می‌فرماید: جانی که نزد خدا محترم است، جز به حق نستانید.<sup>۳</sup>

در پاسخ پرسش از اتانازی باید گفت مصداق بارز اتانازی که خود بیمار یا دیگری عامدانه با روش‌های پزشکی و از روی ترحم در مرگش تسریع کند، حرام است و قتل نفس به شمار می‌آید، از این رو فقهای بزرگوار اتانازی را در هر صورت و به هر طریق که انجام شود حتی از طریق قطع تنفس مصنوعی و تزریق سرم مرگ‌آور حرام می‌دانند، لذا اسقاط جنین غیر طبیعی که با مشکلات متعدد جسمی یا عقب‌ماندگی ذهنی به دنیا خواهد آمد نیز پس از دمیده شدن روح جایز نیست. البته در صورت تراحم دو خطر به لحاظ ترجیح حیات مادر و حیات جنین، باید معیارهای ترجیح در مقام تراحم را لحاظ کرد؛ یعنی همان‌گونه که در

۱. ر.ک: درآمدی بر اخلاق زیستی، ص ۱۷۷ - ۱۸۹.

۲. ﴿وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتُ وَأَحْيَا﴾ (سوره نجم، آیه ۴۴).

۳. ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ (سوره اسراء، آیه ۳۳).



نجات غریق و موارد مشابه آن، اگر میان عالم و اعلم، عادل و اعدل، امام و غیر امام و... تزاخمی باشد، به معیار ترجیح عمل می‌شود و با نبودن معیار ترجیح، ناجی در نجات هر یک از دو غریق مختار است و می‌تواند یکی از آن دو را انتخاب کند، در اینجا نیز باید همین معیار را احراز و به آن عمل کرد.

## مصادیق شهروندان

اکنون به مصادیقی از شهروندان اشاره می‌شود که اسلام به حسن معاشرت با آنان سفارش کرده است:

### ۱. همسایگان

خدا در قرآن به نیکی به همسایه چنین فرمان داده است: و خدا را بپرستید و چیزی را شریک او نسازید و به پدر و مادر و خویشاوند و یتیمان و بینوایان و همسایه نزدیک و همسایه دور و همنشین و... نیکی کنید.<sup>۱</sup>

### اهمیت نیکی به همسایه

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: خدا را نسبت به همسایگان در نظر داشته باشید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره آنان سفارش فرمود و پیوسته درباره آنها توصیه می‌کرد، تا آنجا که ما گمان بردیم او می‌خواهد آنان را وارث و سهم سازد.<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای علی! همسایه را گرامی بدار، گرچه کافر باشد.<sup>۳</sup>

۱. «و اعبدوا الله و لا تُشركوا به شیئا و بالوالدین إحسانا و بذی القربى و الیتیمى و المسکین و الجار ذی القربى و الجار الجنب و الضارب بالجنب...» (سوره نساء، آیه ۳۶).

۲. «... الله الله فی جیرانکم! فإن النبی صلی الله علیه و آله و سلم أوصی بهم و ما زال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یوصی بهم حتی ظننا أنه سیرتهم...» (الکافی، ج ۷، ص ۵۱).

۳. «یا علی! اکرم الجار و لو کان کافرا» (جامع الاخبار، ص ۸۴).